

A Public Policy-Making Model to Improve Iran's Participation in Global Value Chain: A Grounded Theory Approach

Hossein Norouzi, Associate Professor, Department of Business Management, Faculty of Management, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

Hamed Khamehchi, Ph.D. in Management, Department of Management, Kharazmi University, Tehran, Iran

Maryam Ataei, Msc. in Business Management, Department of Management, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Received: 27-02-2023

Accepted: 11-04-2023

Global Value Chain / Public Policies / Grounded Theory

The optimal participation and promotion of countries in global value chains depend on the government policies regarding infrastructures for production and other related fields, the alignment of currency and trade policies, the approaches interaction with other countries, and the necessary supporting policies. The upcoming research was carried out to design a model of government policies to promote Iran's participation in the global value chain, given that there is no comprehensive previous research in this regard. For this purpose, using the qualitative method and the Grounded theory, a semi-structured in-depth interview was conducted with experts using the snowball method. Then the process of coding resulted in 180 codes, axial coding resulted in 72 items, and selective coding resulted in 23 items in the form of 6 achievements central phenomenon. These include: creation of value from comparative advantage, causal conditions including the creation and development of domestic value chains, strengthening soft and hard infrastructures, exporting value-added goods, localization, and diagnostics, facilitating and coordinating role of the government, unity command in policy-formulation and policy-making, resource management, using regional capacities. The strategies include: positioning and seeking a share in the global value chain, using the special knowledge capacity and experience of experts, using the special logistic capacity and creative strategies in the promotion, participation of powerful private sector, investment in the development of labor-intensive and service industries, improvement of economic diplomacy, future research and planning according to the global value chain trends. Background conditions include: Governance reform, support and creation of competition, and alignment of currency and trade policies. Intervening factors include: sanctions and underdevelopment of domestic economic capacities. Finally, consequences include balanced development and technological authority. The results of this research can help policy makers to formulate trade policies according to the future trends of world trade.

مقاله پژوهشی: طراحی الگوی سیاست‌های دولتی برای ارتقای ایران در زنجیره ارزش جهانی با کاربست نظریه داده‌بنیاد

حسین نوروزی* حامد خامه‌چی**

مریم عطایی***

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۲

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸

زنجیره ارزش جهانی / سیاست‌های دولتی / نظریه داده‌بنیاد

چکیده

حضور بهینه و ارتقای کشورها در زنجیره‌های ارزش جهانی بسته به سیاست‌های حاکمیتی است که سازه‌های زیرساختی برای تولید و سایر زمینه‌های مرتبط، همراستایی سیاستگذاری تجاری، نحوه هم‌کنشی با کشورهای خارجی و حمایت‌های لازم را تدبیر کند. پژوهش پیش رو، با هدف طراحی الگوی سیاست‌های دولتی برای ارتقای ایران در زنجیره ارزش جهانی و با توجه به اینکه تحقیقات پیشین جامعیت کافی در این خصوص نداشته، انجام شده است. به این منظور با استفاده از روش کیفی و بهره‌گیری از نظریه داده بنیاد، با متخصصان و صاحبان نظر این حوزه و به روش گلوله برفی مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته انجام شد. سپس فرآیند کدگذاری باز منتج به ۱۸۰ کد، کدگذاری محوری منتج به ۷۲ کد و در نهایت کدگذاری انتخابی منتج به ۲۳ کد در قالب شش دستاورد پدیده‌محوری شامل خلق ارزش از مزیت نسبی، شرایط علی شامل ایجاد و

*norouzi@khu.ac.ir

*. دانشیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

khamehchi@khu.ac.ir

**دکتری مدیریت رفتاری، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

maryamataei@khu.ac.ir

***کارشناسی ارشد بازرگانی بین‌الملل، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

توسعه زنجیره‌های ارزش داخلی، تقویت زیرساخت‌های نرم و سخت، صادرات کالاهای واجد ارزش افزوده، بومی‌سازی و آسیب‌شناسی، تسهیل‌گری و هماهنگ‌کنندگی دولت، فرماندهی واحد سیاست‌ساز و سیاستگذار، مدیریت منابع، بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه‌ای، راهبردها شامل جایگاه‌یابی و سهم‌خواهی در زنجیره ارزش جهانی، استفاده از ظرفیت ویژه دانشی و تجارب متخصصین، استفاده از ظرفیت ویژه لجستیکی و راهبردهای خلاقانه در ارتقا، مشارکت بخش خصوصی قدرتمند، سرمایه‌گذاری بر توسعه صنایع کاربر و خدمات، بهبود دیپلماسی اقتصادی، آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی با توجه به روندهای آتی زنجیره ارزش جهانی، شرایط زمینه‌ای شامل اصلاح حکمرانی، حمایت و ایجاد رقابت، همسوسازی سیاست‌های ارزی و تجاری، عوامل مداخله‌گر همچون تحریم و توسعه نیافتن ظرفیت‌های داخلی اقتصادی و پیامدها شامل توسعه متوازن و اقتدار تکنولوژیکی را در بر داشت. نتایج این پژوهش می‌تواند سیاستگذار را در تدوین سیاست‌های تجاری با توجه به روندهای آتی تجارت دنیا یاری نماید.

طبقه‌بندی JEL: G38, F13, C52



مقدمه

با شتاب‌گیری روند جهانی شدن حمایت‌گری در قالب جایگزینی واردات و آزادسازی در قالب توسعه صادرات جای خود را به پدیده زنجیره ارزش جهانی^۱ داد.^۲ به واسطه کاهش هزینه‌های معاملات بین‌المللی در پی آزادسازی تجاری، پیشرفت‌های فناورانه، بهبود پشتیبانی و مدیریت حمل‌ونقل، و همچنین افزایش ظرفیت صنعتی کشورهای درحال توسعه، فرآیند تولید شکل پیچیده‌تری از ادغام و تفکیک به خود گرفت.^۳

در فرآیند جهانی شدن^۴ تا کنون دو گام برداشته شده است، گام نخست جداسازی کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده به واسطه فن‌آوری‌های ایجاد شده در صنعت حمل‌ونقل بود. در گام دوم فرآیندهای تولید از یکدیگر مجزا شد که دستاورد امروزی آن زنجیره جهانی ارزش و پراکندگی بین‌المللی تولید است و بر این اساس، خلق تجارت فزاینده، گسترش تجارت جنوب-جنوب و ایجاد جریان‌های تجاری سترگ در خدمات و کالاهای واسطه‌ای آغاز شد.^۵

زنجیره ارزش به مفهوم تجارت در ارزش افزوده وابسته است که می‌تواند شامل ارزش افزوده داخلی^۶ یا ارزش افزوده خارجی^۷ باشد^۸ و عبارت است از سلسله اقدامات ارزش‌آفرین در بازه تبدیل یک مفهوم و ایده به محصول در قالب طراحی، انتقال دانش و اطلاعات، استاندارد و فناوری، تولید، بازاریابی، فروش و حتی بازیافت، که این فرآیند تکمیل و توسعه زنجیره ارزش در چارچوب توسعه فضای محصولی و تکمیل فرآیندهای پیوسته به تولید معنا می‌یابد. در بعد محصولی، تنوع بخشی در سبد محصول به شیوه عمودی، با هدف بهبود کیفیت محصول و افقی، با هدف گسترش تولیدات مختلف از یک یا چند نهاد مشترک است.^۹

در این شیوه، کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته این امکان را خواهند داشت تا با بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی خود وارد زنجیره ارزش جهانی شده و به تدریج جایگاه

1. Global Value Chain (GVC)

۲. نچارزاده و همکاران

۳. بزرگی

4. Globalization

5. Baldwin

6. DVA

7. FVA

8. Epede & wang,

۹. جلیلی

خود را بهبود بخشند و کشورهای توسعه یافته نیز از منابع و مزیت‌های نسبی سایر کشورها برای تولید کالایی با قیمت و کیفیت بهتر و رقابتی‌تر استفاده می‌کنند. صنایع، در نتیجه این شیوه از مشارکت، از ایستایی ناشی از حمایت و عدم رقابت فاصله گرفته و به پویایی تولید روزافزون و رقابت در گستره جهانی می‌رسند.^۱ گزارش ۲۰۲۰ سازمان تجارت جهانی بیانگر آن است که هرگاه مشارکت کشوری در زنجیره ارزش جهانی یک درصد افزایش یابد، درآمد سرانه مردم آن کشور نیز یک درصد افزایش خواهد یافت.

ادغام و مشارکت در زنجیره ارزش جهانی عامل مهمی برای افزایش پیچیدگی و بهره‌وری بنگاه‌ها، با تأکید بر نیاز به سیاست‌هایی برای افزایش تسهیل تجارت، بهبود فرآیندهای گمرک و لجستیک، توسعه زیرساخت‌ها و جذاب‌تر کردن محیط کسب‌وکار است همچنانکه ساختار حاکمیتی که بنگاه تولیدی تحت آن فعالیت می‌کند ارتباط مهمی با ارتقا و بهره بردن از فرصت‌ها دارد.^۲ با درک تأثیرات تغییرات عمیق در ساختار اقتصاد جهانی بر سیاستگذاری تجاری و صنعتی، تعریف نقش دولت نیاز به نظریه‌پردازی بیشتری دارد، هرچند تاکنون توجه محققان به صورت کلی بیشتر بر نقش تسهیل‌گری و نحوه تنظیم مشارکت کشورها در زنجیره ارزش جهانی تمرکز داشته است اما پژوهش‌های بسیاری بر اهمیت سیاست‌های دولتی در مشارکت و ارتقای کشورها در زنجیره ارزش جهانی مهر تأیید زده و بر لزوم هدفمندی سیاست‌ها و هماهنگی تأکید کرده‌اند.^۳

برای مشارکت همراه با ارزش افزوده بیشتر و ارتقا در زنجیره ارزش جهانی لازم است دولت‌ها نیز همسو با این رویکرد گام بردارند تا ضمن تسهیل حضور در این زنجیره‌ها، زمینه ارتقا را نیز برای صنایع فراهم آورند. ارتقای جایگاه کشورمان در زنجیره ارزش جهانی مستلزم شناخت مزیت‌های نسبی، شناسایی زنجیره‌های همراستا با این مزیت‌ها و ایجاد زیرساخت‌های مناسب از سوی دولت در نقش تسهیل‌گر و قانونگذار است. " اما گاهی آرمان‌گرایی سیاسی در عمل مانع حل مسائل اقتصادی با رویکرد علمی و صحیح می‌شود."^۴

ارتقای رقابت‌پذیری صنعتی در کشور مطابق با اسناد بالادستی همانگونه که در اقتصاد

۱. کمالی اردکانی

2. Banga

3. De Marchi & Alford

۴. نجارزاده و همکاران

مقاومتی، ماده ۳۷ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور آمده است، از مسیر گسترش و تکمیل زنجیره ارزش صنایع و نیز هم‌پیوندی با زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی میسر می‌شود. اما با این وجود، از زمان تدوین و ابلاغ برنامه سوم توسعه تا کنون و علیرغم تأکیدات متوالی طی برنامه‌های سوم تا ششم، پیشرفت چندانی در صادرات با ارزش افزوده بالا ایجاد نشده و همچنان سهم صادرات مواد اولیه و محصولات خام از صادرات کل کشور تقریباً ثابت بوده است. چنانکه تکیه بر منابع طبیعی به دلیل وفور آن در کشور، ایستایی ایران در انتهای زنجیره ارزش جهانی را موجب شده و بیش از سه دهه اجرای سیاست جایگزینی واردات سبب رکود صنایع، رخوت در تولید و تمرکز بخش‌های مختلف بر بازار داخل بوده و دیدگاه برون‌گرایی از تقویت و توسعه باز مانده است. این موضوع از نبود دستگاه هماهنگ‌کننده برای اجرای سیاست‌ها، تفکیک نشدن اهداف بلندمدت و میان‌مدت و عدم اولویت‌گذاری صحیح آنها، مشخص نکردن چارچوب مناسب و همچنین بی‌توجهی به محدودیت‌ها یا درست پیش‌بینی نکردن محدودیت‌های آتی در برنامه‌های توسعه‌ای، به‌عنوان سند بالادستی، سرچشمه می‌گیرد که باعث شده برخی اهداف همچون توسعه صادرات و کاهش وابستگی به نفت بدون اقدام عملیاتی قابل توجه، در تمام برنامه‌های توسعه‌ای تکرار شود.^۲

به صورت کلی، وضعیت اقتصادی ایران نشان از عدم یکپارچگی سیاست‌های اقتصادی در سطوح کلان دارد. همچنین، سبب صادراتی کشور محدود به محصولات پتروشیمی، آهن، فولاد و صنایع معدنی بوده که بیانگر منبع محوری صادرات است. بر این مبنای نظر می‌رسد پژوهش در مورد طراحی الگوی سیاست‌های دولتی و درک چگونگی تأثیر آن بر ارتقای کشور در زنجیره ارزش جهانی ضروری است، چرا که از دید پژوهشگر، تدوین و اجرای سیاست‌های مناسب از سوی دولت برای حضور مستمر و در پی آن ارتقای ایران در زنجیره ارزش جهانی می‌تواند اهرمی برای فاصله‌تدریجی از خام‌فروشی، قطع اتکا به نفت، حرکت به سمت تولیدات پیچیده‌تر، بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی سرشار و متنوع‌سازی سبب صادراتی باشد.

با در نظر گرفتن این موضوع که بررسی چگونگی ارتقای کشورهای در حال توسعه در زنجیره‌های ارزش جهانی محور مطالعات بسیاری بوده که اکثر آنها ماهیت کیفی یا مبتنی بر

۱. جلیلی

۲. برمکی

مطالعات موردی و بومی دارند و عدم تعمیم پذیری این پژوهش‌ها چالش برانگیز است^۱، و همچنین با توجه به روندهای آتی تولید و تجارت و این نکته که پژوهش کیفی در زمینه ارتقا ایران در زنجیره ارزش جهانی در کشور انجام نشده، پژوهشگر بر آن شد تا نسبت به طراحی الگوی سیاست‌های دولتی این شکاف را پر نماید.

۱. مبانی نظری

۱-۱. پیدایی زنجیره ارزش جهانی

شاخصه تحولات اقتصادی جهان در اوایل دهه ۱۹۹۰، پیدایی زنجیره‌های ارزش جهانی بود^۱ با فروریختن دیوار موانع تجاری، زنجیره ارزش جهانی پا به عرصه وجود نهاد و جهانی‌سازی دوران جدیدی از رقابت بین‌المللی را پدید آورد که با تأمل در آن می‌توان چرایی افول و ظهور کشورها در صنایع مختلف را درک کرد. در واقع با بهره‌گیری از دو مفهوم اصلی ارتقا و حکمرانی، الگوهای تجدید تجارت بین‌المللی به واسطه زنجیره ارزش جهانی برجسته شده و در این میان، تولید و اشتغال، چشم‌انداز توسعه و رقابت‌پذیری را شکل می‌دهند^۲.

زنجیره ارزش در برگیرنده تمام فعالیت‌های مرتبط با جریان کالا و تبدیل مواد از ماده اولیه تا تحویل کالای نهایی و خدمات پس از فروش است و می‌تواند درون یک سازمان یا میان سازمان‌های مختلف در قسمت‌های مختلف دنیا تقسیم شود که در این صورت به آن زنجیره ارزش جهانی می‌گویند. شاخص‌های تجارت کالای واسطه‌ای، نرخ صادرات محصول، افزایش واردات در مقابل تولید و تجارت میان‌صنعتی در سطح بین‌المللی در زنجیره ارزش جهانی مطرح است. در واقع، هدف از زنجیره ارزش جهانی، بهبود عملکرد، کاهش هزینه‌های عملیاتی و آشکار کردن فرصت‌های نهفته در کسب و کار است^۳.

آنچه جایگاه کشورها را در زنجیره ارزش جهانی رقم می‌زند شناسایی و استفاده از منابع و مزیت‌های بالفعل و بالقوه در داخل و خارج با اتخاذ سیاست‌های مناسب در سطوح ملی و بین‌المللی است^۴ همچنین، با فرض ثبات سایر شرایط، کشورهای دارای نهادهایی با عملکرد

1. Zhan

2. Gereffi et al

3. Fortes et al

4. Baldwin

بهتر (مانند حقوق مالکیت فکری قوی و حاکمیت قانون)، مشارکت بیشتری در زنجیره‌های ارزش جهانی دارند. در حقیقت، از عمده دلایل عدم کامیابی کشورها در رسیدن به اهداف خود از مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی، نامناسب بودن محیط نهادی و سیاسی آنها است.^۱

مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی که ابزار کلیدی در سیاست تجاری کشورهای مشارکت کننده به منظور رقابت پذیری جهانی و ارتقای جایگاه تجاری در سطح بین‌المللی است، به ۳ دلیل عمده رو به افزایش گذاشته است: ۱. تعامل اقتصادی با دنیا از طریق سرمایه‌گذاری، توافقات چند جانبه و منطقه‌ای ۲. تنوع سبد صادراتی که خروجی مشارکت در این زنجیره‌ها بوده و سبب افزایش تجارت درون صنعتی می‌شود ۳. اشتغال‌زایی که ضمن یاری به تقویت بازار داخل با آموزش نیروی کار ماهر، فرصت‌هایی نیز در زنجیره ایجاد می‌کند. از این رو، کشورها از طریق چارچوب سیاستی و نهادی خود سعی در توانمندسازی برای برقراری پیوند میان بنگاه‌های محلی با بازارهای جهانی دارند.^۲

در طول زنجیره ارزش جهانی، فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا شامل فعالیت‌های پیش از تولید (طراحی و تحقیق و توسعه) و فعالیت‌های پس از تولید (فروش و خدمات) توسط کشورهای توسعه یافته انجام می‌شود و فعالیت آماده‌سازی مواد اولیه، تولید و توزیع را کشورهای در حال توسعه بر عهده دارند.

۱-۲. ابعاد زنجیره ارزش جهانی

زنجیره‌های ارزش جهانی به زعم گرفی و استارک^۳ از شش بعد و در دو چارچوب جهانی و محلی قابل بررسی و تجزیه و تحلیل است. چارچوب نخست به ابعاد عناصر بین‌المللی اشاره دارد که مرتبط با پویایی صنعت در سطح جهانی است و چارچوب دوم به چگونگی مشارکت کشورها در زنجیره ارزش جهانی می‌پردازد.

- **ساختار ورودی-خروجی:** فرآیند یک زنجیره ارزش جهانی، از ایده تا دستان مصرف‌کننده، برای هر صنعت متفاوت است اما به صورت کلی بخش‌های تحقیق و طراحی، نهاده‌ها، تولید، توزیع، بازاریابی، فروش و در برخی موارد بازیافت محصولات پس از استفاده را در بر

1. World Bank

2. Ahmed & Kumar

3. Gereffi, Stark

می‌گیرد. در این میان، دانش صنعتی و درک کل ساختمان زنجیره و شناسایی اینکه کدام فرآیندها به کدام بخش ارزش بیشتری می‌افزاید و بازده آن برای بازیگران زنجیره چیست، با اهمیت می‌نماید.

- **محدوده جغرافیایی:** بهبود حمل‌ونقل و زیرساخت‌های مخابراتی، به جهانی شدن صنایع کمک شایانی کرده است. در اقتصاد جهانی، کشورها با بهره‌گیری از مزیت رقابتی خود در تولید مشارکت دارند. با در نظر گرفتن پراکندگی عوامل زنجیره ارزش جهانی در پهنه گیتی، کشورهای در حال توسعه به واسطه نیروی کار ارزان و در اختیار داشتن مواد خام و کشورهای توسعه یافته با نیروی کار بسیار ماهر، در تحقیق و توسعه و طراحی محصول فعالیت می‌کنند. اکنون، شواهدی نشان می‌دهد که ممکن است روندهای آینده، در پاسخ به محرک‌های اقتصادی همچون رشد اقتصادهای نوظهور و بزرگ و توافقات تجاری منطقه‌ای، به سمت منطقه‌ای کردن زنجیره‌های ارزش جهانی حرکت کنند.
- **حاکمیت زنجیره ارزش جهانی:** حکمرانی به معنای روابط ناشی از اقتدار و قدرت است که نحوه تخصیص منابع مالی، مادی و انسانی را تعیین می‌کند. بررسی حکمرانی زنجیره ارزش جهانی به شناخت ساختار کنترل و هماهنگی زنجیره‌ها و بازیگران پر قدرت آن کمک خواهد کرد.
- **ارتقا:** ارتقای اقتصادی به عنوان حرکت شرکت‌ها، کشورها یا مناطق به سمت ایجاد ارزش بالاتر تعریف می‌شود. فعالیت در زنجیره‌های ارزش جهانی به منظور افزایش مزایا (مانند امنیت، سود، ارزش افزوده، قابلیت‌ها) از مشارکت در تولید جهانی است و در چهار دسته ارتقای فرآیند، ارتقای محصول، ارتقای عملکرد و ارتقای بین بخشی تقسیم می‌شود.
- زمینه‌سازی زنجیره: چارچوب نهادی و شرایط سیاسی و اقتصادی هر کشور چگونگی مشارکت آن را در هر مرحله از زنجیره ارزش شکل می‌دهد. مواردی همچون هزینه‌های نیروی کار و سطح مهارت آنان، زیرساخت‌های موجود، آموزش، مقررات و قوانین سرمایه‌گذاری، مالیات، سیاست‌ها و دسترسی به دیگر منابع لازم برای ایفای نقش در زنجیره‌های ارزش جهانی می‌تواند مانع یا پیشران رشد و توسعه صنعت شود.
- **بازیگران و ذینفعان صنعت:** در تجزیه و تحلیل یک زنجیره ارزش لازم است تا بازیگران و سودبران شناسایی و نقش هرکدام بررسی شود. از مهم‌ترین این بازیگران شرکت‌ها،

انجمن‌های صنعتی، کارگران، مؤسسات آموزشی، سازمان‌های دولتی از جمله ترویج صادرات و جذب سرمایه‌گذاری ادارات، وزارتخانه‌های تجارت خارجی، اقتصاد و آموزش و پرورش هستند. همچنین روابط میان سودبران و اینکه سیاست‌گذاری و تغییرات توسط کدام نهادها هدایت می‌شود نیز به خصوص در بحث ارتقا و توسعه از اهمیت بالایی برخوردار است.

۱-۳. بهبود عملکرد اقتصاد از رهگذر زنجیره ارزش جهانی

زنجیره‌های ارزش جهانی می‌توانند عملکرد اقتصادی را با دو مکانیسم کلیدی تخصص وظایف و ارتباط دانش بهبود بخشند. تخصص وظایف که باعث ایجاد تقسیم کار دقیق بین‌المللی در سطح وظایف می‌شود و به کشورها یا مناطق درگیر فرصت تخصص یافتن در ایجاد یک ارزش را می‌دهد که با توجه به مزیت‌ها، منابع در مسیر ایجاد پر بازده‌ترین ارزش جریان می‌یابد، به ویژه برای کشورهای در حال توسعه مناسب است که با تمرکز بر مراحل تولید ساده‌تر با استفاده از سطوح توانایی موجود به سمت صنعتی شدن تدریجی در زنجیره راه می‌پیمایند.

دومین مکانیسم ترغیب یک منطقه یا کشور به اتصال و ارتباط با دانش جهانی است. در فرآیند بین‌المللی شدن زنجیره‌های ارزش شرکت‌های محلی با شرکای تولیدکننده خود در سراسر جهان ارتباط می‌یابند و این خود امکان دسترسی به دانش خارجی را فراهم می‌آورد که در نهایت منجر به تقویت توان فنی داخلی و ارتقای اقتصادی خواهد شد. ادبیات زنجیره ارزش جهانی در وهله نخست بر آن فرصت‌هایی از ارتقا تمرکز دارد که از طریق ارتباط دانش برای تأمین‌کنندگان در کشورهای در حال توسعه و با قرار گرفتن در معرض دانش روزآمد و بهبود قابلیت‌های تکنولوژیکی حاصل می‌گردد^۳.

عوامل مؤثر بر مشارکت کشورها در زنجیره ارزش جهانی توسط احمد و کومار^۱ در قالب توانمندسازی در چهار گروه کلان اقتصادی، ژئوآکونومیک، استراتژیک و ژئوپولیتیکال بررسی و تعداد هفده عامل مؤثر همچون توسعه زیرساخت‌ها، بررسی ساختمان ظرفیت تولید داخلی، قابلیت‌های تکنولوژیکی، تکامل سیاست‌های خارجی و ثبات منطقه‌ای شناسایی شده است.

1. Pietrobelli, et al

2. World Bank

3. De Marchi & Alford

4. Ahmed & Kumar

کارکرد این عوامل با توجه به شناسایی محیطی^۱ در هر کشوری متنوع بوده و بر این اساس با در نظر گرفتن توانمندسازها، شاخص مشارکت کشورهای مختلف متفاوت خواهد بود.

آنچه در این میان جای تأمل دارد، آن است که ماهیت بین‌المللی سازی و صادرات‌گرایی تا حد زیادی با قابلیت نوآوری مرتبط است تا جایی که ایجاد توانایی و دانش با کمک به بهبود قابلیت نوآورانه، تعیین‌کننده اصلی توانایی در بین‌المللی شدن است، همچنین، قابلیت‌های تکنولوژیکی در راستای توانمندسازی مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی به مفهوم مهارت‌هایی است که به همگام‌سازی تولید و سایر اجزا با چشم‌اندازهای در حال تحول فناوری و رقابتی کمک می‌کند.

۱-۴. ارتقا در زنجیره ارزش جهانی

ارتقا، فرآیندی است که طی آن بازیگران اقتصادی، شرکت‌ها و دست‌اندرکاران تولید از فعالیت‌های با ارزش افزوده پایین به فعالیت‌هایی با ارزش افزوده بالا حرکت می‌کنند. چارچوب زنجیره‌های ارزش جهانی بر گسترش زنجیره تأمین جهانی و چگونگی ارزش‌آفرینی، استمرار و ارتقای آن متمرکز است. نحوه ارتقا در زنجیره ارزش با توجه به شرایط توسعه یافتگی یا در حال توسعه بودن کشورها تعریف می‌شود، کشورها می‌توانند زنجیره ارزش را با فعالیت‌های پایه‌ای مونتاژ و با استفاده از نیروی کار ارزان و غیر ماهر آغاز کنند و سپس به کانون جدیدی برای برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری تبدیل شوند.^۲

در این راستا ترکیب متنوعی از سیاست‌های دولتی، مؤسسات، نهادها، استراتژی‌ها، فناوری و مهارت نیروی انسانی بر فرآیند ارتقا تأثیر انکارناپذیری دارد^۳ در واقع، ارزش افزوده می‌تواند معیاری برای رقابت‌پذیری محصولات باشد، هرچه ارزش افزوده بیشتر باشد بر قدرت رقابت‌پذیری افزون می‌گردد^۴. بستر ساختار حاکمیتی که زنجیره‌های ارزش جهانی در آن قرار دارند، یک عامل مهم در توانایی کشورهای در حال توسعه برای ارتقا در زنجیره ارزش جهانی در روند تقسیم کار بین‌المللی و فرآیند تولید جهانی است.^۵

1. PESTEL

2. Gereffi et al

3. Gereffi & Stark

4. Bialowas & Budzynska

5. Banga

واردات کالاهای واسطه‌ای به شرکت‌های کشورهای در حال توسعه امکان می‌دهد تا از فناوری تجسم یافته در نهاده‌های خارجی بیاموزند و کالاهای پیچیده‌تری تولید کنند. صادرات به کشورهای پیشرفته نیز می‌تواند منجر به ایجاد جریان دانش، مهارت و آموزش شود. افزایش مشارکت شرکت‌ها در زنجیره‌های ارزش جهانی می‌تواند با ایجاد فشار رقابتی بر شرکت‌های داخلی که درگیر زنجیره ارزش جهانی نیستند آنها را تشویق به نوآوری و تحول کند.

ارتقا، تا چندی پیش عمدتاً بر بهبودهای تدریجی فرآیندها، به‌روزرسانی و بهبود محصولات قدیمی یا تغییر تولید به سمت محصولات پیچیده‌تر با ارزش افزوده بالاتر و عملکرد جدید با ارزش افزوده و سود بالاتر در زنجیره متمرکز بود و به‌عنوان فرآیند تبدیل ورودی‌ها به خروجی از طریق سازماندهی مجدد سامانه‌های تولید یا معرفی فناوری‌های برتر و شامل دستیابی به کارایی بیشتر فرآیندهای داخلی از طریق فناوری، ادغام سامانه‌های اطلاعاتی و فناوری پیچیده محسوب می‌شد.^۱ اخیراً، تجزیه و تحلیل زنجیره‌های ارزش جهانی در چارچوب مقررات کار و توسعه منابع انسانی به واکاوی در روش‌های بررسی پویایی تجارت بین‌المللی، روند صنایع جهانی، زنجیره ارزش پایدار و همچنین نحوه مشارکت بازیگران اقتصادی آسیب‌پذیر در زنجیره‌ها و چگونگی ایفای نقش بنگاه‌های محلی در این زمینه می‌پردازد.^۲

الگوهای ارتقا در صنایع و کشورهای مختلف متفاوت و بر مبنای ورودی-ستانده در ساختار زنجیره ارزش جهانی صنعت و بافت نهادی آن کشور تعریف می‌شود. صنایع نیاز به ارتقای خطی دارند و لازم است کشورها پیش از ارتقا، در مرحله قبلی به تخصص و مهارت لازم دست یابند.^۳

همچنین، امکان ارتقا در صنایع مختلف نیز با هم تفاوت دارد. مثلاً در صنایع استخراجی و کشاورزی در مقایسه با فعالیت‌های تولیدی یا خدماتی دامنه ارتقا نسبتاً محدود است^۴ به ویژه، در مورد ارتقای عملکردی و میان زنجیره‌ای که به مهارت‌ها، شایستگی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خاص نیاز دارد.^۵

1. Humphrey & Schmitz
2. Epede & Wang
3. Gereffi & Stark
4. OECD
5. Abramova & Garanina

۱-۵. سیاست‌ها و نقش دولت‌ها در راستای زنجیره ارزش جهانی

سیاست‌های زنجیره‌گرا طیف اقدامات و ابزارهایی هستند که دولت برای تأثیرگذاری بر زنجیره‌های ارزش جهانی و بهره‌گیری از منابع ناشی از آن در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی از آن استفاده می‌کند.^۱ به نظر می‌رسد که منافع حاصل از مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی به مجموعه‌ای از ویژگی‌های خاص کشور و صنعت وابسته باشد،^۲ در خصوص نقش نهادهای محلی مانند دستگاه‌های نظارتی و سیاست صنعتی که ممکن است بر روند تأثیر بگذارد، در ادبیات زنجیره ارزش جهانی از نظر تئوری مشخص شده است که چنین مؤسساتی نقش مهمی دارند، اما اینکه کدام رفتارها برای یادگیری، ظرفیت‌سازی سازمانی و حمایت از ارتقا مهم هستند هنوز به‌طور کامل روشن نشده است.^۳

دولت می‌تواند در نقش تسهیل‌گر با حمایت از بنگاه‌های داخلی در راستای مشارکت بیشتر و ارتقا در زنجیره‌های ارزش جهانی، سیاست‌هایی مانند ارائه مشوق‌های مالیاتی، اعطای یارانه‌ها و اهدای تسهیلات جهت اجرای تحقیق و توسعه را اتخاذ کند یا به‌عنوان قانونگذار، با تعیین کردن حیطه فعالیت‌های شرکت‌های پیشرو جهانی یا کنترل تأمین‌کنندگان داخلی با ابزار کیفیت، استانداردها، مقررات کسب و کار، بازاریابی دولتی و سازوکارهای قیمتی عمل کند. همچنین می‌تواند در قالب تولیدکننده با مشارکت مستقیم در فعالیت‌های تولیدی در رقابت‌پذیری شرکت‌های خصوصی در زنجیره‌ها مؤثر باشد و یا به‌عنوان خریدار، به صورت مستقیم محصولات و خدمات را خریداری نماید.^۴

نهادهای دولتی هر کشور از بازیگران مهم در عرصه ارتقا در زنجیره ارزش جهانی به شمار می‌آیند. آنان به دلیل ماهیت وظایفی که بر دوش دارند در حیطه سیاست‌گذاری، هماهنگ‌سازی و اجرا نقش حساسی ایفا می‌کنند.

واکاوی و موشکافی زنجیره ارزش جهانی در هر صنعت به دولتمردان عرصه اقتصاد کشورها کمک می‌کند تا سیاست‌های متناسب با گنجایش تولید، زیرساخت‌ها و خدمات، محیط کسب و کار، سیاست‌های تجارت و سرمایه‌گذاری و نهادهای سازنده صنعت برای ارتقا در زنجیره ارزش

1. Pietrobelli et al

2. World Bank

3. Pipkin & Fuentes

4. De Marchi & Alford

جهانی برگزیده و در پیش بگیرند^۱. مطالعات اولیه زنجیره ارزش جهانی نشان می‌داد که دولت‌ها در فرآیند این زنجیره نقشی منفعل داشته و توسعه صادرات محور را تسهیل می‌کنند و دیدگاه غالب این بود که وظیفه دولت، افزایش جذابیت فضای کسب و کار برای بنگاه‌های محلی و پیشرو است^۲ اما اکنون این رویکرد به نقش تسهیل‌گری فعالانه با مرکزیت تنظیم‌کنندگی فعالیت بنگاه‌ها، شامل تولید کالا و خدمات برای زنجیره‌ها، تغییر یافته است^۳.

نقش دولت‌ها در ارتقای کشورها در زنجیره ارزش جهانی شامل چهار دسته تسهیل‌گری، تنظیم‌کننده یا قانونگذار، تولیدکننده و خریدار است. بر اساس مطالعات صورت گرفته، نقش تسهیل‌گری دولت در فرآیند زنجیره ارزش جهانی مورد توجه بیشتری قرار گرفته است و این می‌تواند منعکس‌کننده توصیه‌های سازمان‌هایی چون بانک جهانی و سازمان جهانی تجارت در مورد سیاست‌های تجاری و توسعه اقتصادی با تأکید بر نقش تسهیل‌گری دولت باشد. این نقش اغلب در چارچوب توافقنامه‌های دو جانبه یا منطقه‌ای با هدف بهبود دسترسی به زنجیره‌های ارزش جهانی است، همچنین، اعطای مشوق‌ها، ارائه یارانه‌ها یا مالیات‌های مطلوب برای تولیدکنندگان داخلی به منظور استمرار فعالیت‌های ارزش‌آفرین و برای شرکت‌های خارجی جهت افزایش مشارکت در زنجیره‌های ارزش با جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جذب شرکت‌های پیشرو از دیگر ابزارهای سیاست‌گذاران در قالب تسهیل‌گری محسوب می‌شود^۴.

تحقیقات در خصوص زیرساخت دانش نشان داده تا آنجا که در نقش تسهیل‌گری دولت می‌کنند، پیوند میان مؤسسات تحقیقاتی و بنگاه‌های تولیدی، سبب ارتقای محصولات یا ارتقای بین بخشی شده و ضمن امکان ورود بنگاه به صنعت جدید، ارزش افزوده بیشتری نیز به ارمغان می‌آورد^۵.

تنظیم‌گری یا قانونگذاری دولت در فرآیند مشارکت و ارتقای کشورها در زنجیره ارزش جهانی می‌تواند بر میزان جذب ارزش تأثیرگذار باشد. در واقع با جهانی شدن اقتصاد، تأکید بر اهمیت نقش نظارتی دولت افزایش یافته است^۶. دولت اغلب درگیر طراحی و اجرای مقرراتی است که

1. Bamber et al

2. Horner & Alford

3. Alford & Phillips

4. De Marchi & Alford

5. Bazavan

6. Horner & Alford

با هدف حمایت از ایجاد و حفظ ارزش افزوده و با حذف واسطه بر قیمت و کیفیت محصول تأثیر می‌گذارد، اقدامات حفاظتی نیز به منظور پشتیبانی از بنگاه‌های داخلی است تا زمانی که محصولات آنها قدرت رقابت پذیری در سطوح بین‌المللی را کسب کنند^۱. سیاست‌های حفاظتی می‌تواند در قالب تعرفه‌های اعمال شده برای واردات یا محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی بر روابط سطح بنگاه‌ها و کشورها نیز تأثیرگذار باشد^۱.

حضور مشارکت‌کنندگان مختلف، تخصص و تجارت خدمات به عنوان ویژگی‌های جدید زنجیره‌های ارزش جهانی بر رقابت، توسعه اقتصادی، نیروی کار، بازار و هزینه‌های تجارت یک کشور تأثیر می‌گذارد و در این میان بیشترین سود و نفوذ فزاینده در اقتصاد جهانی در زنجیره‌ها برای مشارکت‌کنندگانی که در جایگاه یک طرف یا طرفین منحنی لبخند قرار دارند، به ارمغان می‌آید^۲.

در خصوص نقش تولیدکنندگی که در اغلب موارد مرتبط با ارتقای محصول بوده است نیز موارد معدودی مشاهده شده که دولت‌ها برای اعمال سیاست‌های زنجیره‌محور در نقش تولید وارد شده باشند و ورود به این حیطه (مانند کشورهای آسیای شرقی)، در راستای حمایت از توسعه فناوری صنایع محلی و قابلیت‌های نوآورانه و دستیابی به فرصت‌های جذب ارزش و تضمین مشارکت در زنجیره‌ها خواهد بود^۳.

۱-۶. ارتقای فناوری و پیچیدگی تولید

در کنار عوامل خارجی مانند مشارکت و حاکمیت در زنجیره‌های ارزش جهانی، تلاش‌های داخلی کشورها برای ارتقا نیز مهم است. نتایج تجربی نشان می‌دهد که کشورها می‌توانند سطح پیچیدگی محصول خود را با سرمایه‌گذاری در ظرفیت نوآورانه خود به طور قابل توجهی بهبود بخشند. این امر به آنها امکان می‌دهد دانش یا فناوری خارجی را بهتر جذب و اجرا کنند. شواهد تجربی بیشتر نشان می‌دهد که ویژگی‌های بنگاه‌ها مانند قدمت و اندازه و همچنین تمرکز صنعت، نقش مهمی در تعیین میزان پیچیدگی محصول دارند^۳.

در سال‌های اخیر اگرچه برخی از کشورهای نوظهور مسیرهای سریعی برای رسیدن به اهداف

1. Azmeh

2. Yuan, (2016), Cheng & Wang

3. Banga

خود، در این راستا، را طی کرده‌اند اما بسیاری دیگر از کمبود منابع بومی فناوری و ظرفیت‌ها رنج می‌برند و صرفاً بر فناوری‌های منتقل شده از کشورهای پیشرفته متکی هستند^۱.

صادرات از طریق زنجیره‌های ارزش جهانی به عنوان اکسیری برای بهبود روند ضعیف صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه برجسته شده است^۲، اما در حقیقت، مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی تا آنجا که در حوزه سیاست‌گذاری بررسی می‌شود، به تنهایی به ارتقا نمی‌انجامد، بلکه تجهیز شرکت‌ها به ابزار نوآوری در قالب فراهم‌آوری فرصت مطلوب و توسعه همکاری سازمان‌ها و شرکت‌های خارجی با بخش خصوصی را نیازمند است^۳.

کشورهایی که در دستگاه نهادی توانمندساز خود سرمایه‌گذاری کرده و یادگیری دانش روزآمد را با سیاست‌گذاری‌های هدفمند تشویق و ترویج می‌کنند در مسیر توسعه قرار می‌گیرند. بر این اساس، باید در خاطر داشت که ایجاد ظرفیت‌های داخلی برای نوآوری برای اقتصادهای در حال توسعه امری مهم بوده و صرف مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی ضعف‌های نهادی یک کشور در مساله توسعه را پوشش نخواهد داد^۴.

محیط توانمند نهادی و سیاسی عامل تأثیرگذاری بر توسعه زنجیره‌ها و مشارکت در آن به شمار می‌آید، همچنانکه در توسعه شبکه‌های تولید و تجارت در منطقه شرق آسیا سهم عمده‌ای داشته است^۵.

توسعه اقتصادی متکی بر رشد بهره‌وری ناشی از تخصیص مجدد نیروی کار از فعالیت‌های کم ارزش به فعالیت‌های با ارزش افزوده بالاتر در زمینه تولید است. به صورت سنتی، نقش کلیدی آنجا به تولید محول می‌شود که فرصت‌های بسیاری برای افزایش سرمایه، مقیاس و تغییرات تکنولوژیکی فراهم باشد^۶ و با این اوصاف، امروزه با پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات، کشورهای فقیر نیز می‌توانند با انجام مراحل خاصی در فرآیند تولید به بازارهای جهانی دسترسی پیدا کنند^۷.

1. Fagerberg et al

2. World Bank

3. Pietrobelli & Staritz

4. De Marchi et al

5. Ahmed & Kumar

6. Pahl & Timmer

7. Baldwin & Lopez-Gonzalez

۷-۱. تأثیر توافقات منطقه‌ای بر ارتقا در زنجیره ارزش جهانی

تجارت آزاد سبب شکل‌گیری تولید بر اساس مزیت‌های نسبی کشورها می‌شود، در نتیجه کاهش موانع تجاری، حذف تعرفه‌ها، افزایش تولید و صادرات کالاها با توجه به منابع موجود و کاهش هزینه تولید، منابع کارا تر و بهینه‌تر صرف شده و ضمن بیشتر شدن توان رقابتی، امکان در اختیار داشتن سهم بزرگتری از بازارهای خارجی فراهم می‌شود. اما در مورد کشورهای در حال توسعه، جهانی شدن به یکباره، مشکلات فراوانی را ایجاد می‌کند، بنابراین، لازم است گام به گام و با توافقات منطقه‌ای و به صورت تدریجی انجام شود.^۱

مطالعات اخیر نشان می‌دهد که تجارت جنوب - جنوب اکنون از تجارت شمال - شمال فراتر رفته و سهم بزرگی از تجارت درون منطقه‌ای و بهبود عملکرد تجاری جنوب جهانی دارد.^۲ زنجیره ارزش منطقه‌ای از طریق هماهنگی شرکت‌های پیشرو و تأمین‌کنندگان منطقه‌ای در چارچوب حاکمیت بخش خصوصی و از طریق سیاست‌گذاری‌ها و مداخلات دولتی تأثیر می‌پذیرد.^۳

گفتمان جغرافیای اقتصادی بر آن است که دولت‌ها در راستای اهداف توسعه‌ای به سمت تشکیل زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای حرکت کنند. زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای هدفمند در کنار جذابیت برای بنگاه‌های کوچک و متوسط کشورهای در حال توسعه که مشتاق رشد و بالندگی هستند، به‌عنوان مکمل زنجیره ارزش جهانی و پدید آورنده زمینه افزایش انعطاف‌پذیری بنگاه‌های تولیدی - صادراتی خواهند بود.^۴

منطقه‌گرایی به مثابه تمرین جهانی شدن یا شکل مینیمال و همچنین قابل کنترل آن، برای کشورهای در حال توسعه قلمداد می‌شود که مانند فرآیند جهانی شدن شامل تجارت آزاد، سرمایه‌گذاری‌های درون منطقه‌ای، فرآیند تخصصی کردن تولیدات و حذف موانع تجاری است. از خصوصیات مشترک جهانی شدن و منطقه‌گرایی ایجاد فضای رقابتی به گونه‌ای است که در نهایت منجر به ماندگاری اقتصادهایی خواهد شد که از قدرت رقابت بالاتری برخوردار باشند.^۵

1. Gereffi
2. Horner & Nadvi
3. Pasquali et al
4. Scholvin et al
5. Linbo

پژوهش‌های اخیر بر لزوم ایفای نقش فعالانه دولت‌ها در هدایت، تشکیل و توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای تأکید و پیشنهاد می‌کنند دولت‌های کشورهای در حال توسعه ضمن حمایت از تولیدکنندگان بومی در برابر تندباد رقابت جهانی و تسهیل سرمایه‌گذاری منطقه‌ای، امکان پرورش صنایع نوظهور را فراهم کنند تا در زمان مناسب، زنجیره ارزش منطقه‌ای به زنجیره ارزش جهانی پیوندد و از این رهگذر ارزش افزوده بیشتری برای آنان به ارمغان آید. با افزایش معاملات تجاری منطقه‌ای، پیوندهای اصلی زنجیره‌ها در مناطق مختلف ریشه می‌گیرند برای مثال، یکپارچگی در مناطق آمریکای شمالی، اتحادیه اروپا و ژاپن محرکی قوی برای صنعت خودرو است که به‌عنوان مراکز اصلی در دنیا، ارزش افزوده بیشتری ناشی از تقویت و پویایی را از آن خود کرده‌اند^۱.

تغییر رویکرد از بازارهای ملی به بازارهای منطقه‌ای به‌منظور به دست آوردن صرفه‌جویی در مقیاس و مزایای یادگیری است که این به نوبه خود به اقتصادهای منطقه کمک می‌کند تا با پیچیده‌تر شدن و تخصصی شدن تولید با توجه به فناوری در محتوا به سمت صنعتی شدن حرکت کنند و تجارت درون منطقه‌ای را افزایش دهند. این موضوع در تنوع مبادی تأمین ارز و کاهش وابستگی به صادرات مواد خام نیز تأثیرگذار است. اما این چشم‌انداز به دلایل مختلف سیاسی و اقتصادی، تا حدودی از تحقق بازماند. حمایت بیش از حد و مستمر از بازارهای ملی، سیاست‌های ضعیف در زمینه نوآوری و فناوری پیشرفت و توجه نداشتن به اولویت ایجاد پیوند بین منابع طبیعی و تولید و فعالیت‌های خدماتی منجر به افزایش وابستگی به درآمدهای ارزی ناشی از صادرات کالا، به ویژه، خام فروشی شد^۲.

۸-۱. تأثیر جذب سرمایه‌گذاری خارجی بر ارتقا در زنجیره ارزش جهانی

سرمایه‌گذاری خارجی، به‌عنوان یکی از عوامل مهم سیاست‌های سطح کلان هر کشور، با تلاقی سیاست‌های تجاری در بستری از توانمندی‌های زیرساختی بر جریان زنجیره‌های ارزش جهانی تأثیر می‌گذارد^۳. پژوهش‌های تجربی و مطالعات نظری در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ارتقای فرآیند نشان داده‌اند که که بنگاه‌های تحت سرمایه‌گذاری خارجی دارای دانش

1. Baldwin

2. ECLAC report

3. Ahmed & Kumar

تخصصی‌تر در زمینه تولید، مهارت‌های مدیریتی بهتر، توانایی‌های بازاریابی و برندسازی، قراردادهای صادراتی، شبکه‌های هماهنگ با تأمین‌کنندگان و مشتریان هستند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نه تنها بر سطح بهره‌وری و رقابت شرکت داخلی دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد، بلکه «اثرات سرریز» را برای سایر شرکت‌های داخلی نیز ایجاد می‌کند. این امر می‌تواند از طریق سرریز فناوری و دانش از شرکت‌های سرمایه‌گذاری شده خارجی به شرکت‌های داخلی، یا از طریق قرار دادن شرکت‌های داخلی در معرض افزایش رقابت باشد.^۱ توجه به سرمایه‌گذاری خارجی در سیاست‌گذاری کلان کشورها با کمک به بین‌المللی شدن کسب و کار بنگاه‌های داخلی^۲، می‌تواند به گسترش مشارکت در زنجیره ارزش جهانی و به کارگیری نیروی انسانی ماهر و در نهایت تسهیل یادگیری و پر کردن شکاف بنگاه‌های صادرکننده بیانجامد.^۳

۹-۱. شناسایی و تقویت مزیت‌های نسبی جهت ارتقا در زنجیره ارزش جهانی

ارتقا در زنجیره‌های ارزش جهانی یک فرآیند چند بعدی است که به دنبال ارتقای شرایط اقتصادی (سود، اشتغال، مهارت‌ها) و شرایط اجتماعی (شرایط کاری، درآمد پایین، سیستم آموزشی) یک کشور یا صنعت است.^۴ میلبرگ و وینکلر (۲۰۱۳) ارتقا زنجیره‌های ارزش جهانی را مترادف با توسعه اقتصادی توصیف می‌کنند^۵ از این دیدگاه، ارتقا شامل فرآیند یادگیری است که از طریق آن کشورها از طریق روابط با سایر کشورهای حاضر در زنجیره ارزش جهانی یا از طریق حمایت‌های داخلی دانش و مهارت‌هایی را کسب می‌کنند که می‌تواند منجر به نوآوری‌ها یا بهبودهایی در فرآیند تولید تبدیل شود که بر ارزش کالاها یا خدمات آنها بیفزاید این فرآیند مستلزم آن است که سیاست‌های یک کشور به گونه‌ای شکل بگیرد که از مزیت نسبی آن در مسیر انباشت دانش به منظور تحقیق و توسعه و قابلیت‌های یادگیری نیروی انسانی، برای توسعه بیشتر این قابلیت‌ها سود جوید.

1. Banga

2. Shepherd

3. Pasquali et al

4. Keane

5. Dutta

فرضیه سنتی در مورد مزیت نسبی قائل بر آن است که در صورتیکه کشوری کالایی را نسبت به دیگر کالاها با هزینه کمتری تولید کند از مزیت نسبی در تولید آن کالا برخوردار است و اگر بتواند آن کالا را در مقایسه با دیگر کشورها با هزینه‌های پایین‌تری صادر کند، در صادرات آن کالا دارای مزیت نسبی خواهد بود.^۱ امروزه مدل‌های جغرافیای اقتصادی جدید بر توزیع نابرابر فعالیت‌های اقتصادی و درآمد در مکان‌هایی که توسط تعامل بین هزینه‌های معاملات و هزینه‌های تجارت و افزایش بازده تعیین می‌شود تمرکز دارد. کاهش هزینه‌های تجاری مزایای نسبی خوشه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی در یک منطقه را افزایش می‌دهد و امکان تجارت بین‌المللی شرکت‌ها را قادر می‌سازد تا از طریق صادرات به مشتریان خارجی دست یابند.^۲ کشورهای در حال توسعه به منظور ارتقای تولید و تنوع بخشیدن به صادرات خود می‌توانند سیاست‌هایی را همسو با مزیت‌های نسبی موجود خود طراحی و اجرا کنند، همچنین می‌توانند با به چالش کشیدن مزیت‌های نسبی خود با بهره‌گیری از دانش به این هدف دست یابند.^۳ مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی اغلب به عنوان ابزاری برای رشد کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده و ورود به زنجیره‌ها به منزله نردبانی برای افزایش قابلیت‌ها، نوآوری و ارتقا به فعالیت‌های با ارزش افزوده بیشتر در نظر گرفته می‌شود.^۴

۱-۱۰. ایجاد و تقویت زیرساخت‌ها برای ارتقا در زنجیره ارزش جهانی

بسیاری از کشورها به دلیل ناتوانی در برآوردن الزامات تولید به موقع، نمی‌توانند به مراحل خاصی از زنجیره‌های ارزش جهانی پیوندند.^۵ برای مثال حمل و نقل زمینی آهسته و غیرقابل پیش‌بینی بیشتر مناطق جنوب صحرا، سبب خارج شدن آفریقا از زنجیره ارزش الکترونیک شد.^۵ برخی از مطالعات اخیر، اهمیت حمل و نقل، زیرساخت‌های مربوط به آن و اداره مرزها را تا بدانجا می‌برد که حتی نسبت به حذف کامل تعرفه‌ها نیز تأثیر بیشتری بر افزایش مشارکت و ارتقا در زنجیره‌های ارزش جهانی و انتفاع کشورها در چارچوب تولید ناخالص داخلی و توسعه

۱. آقامحمدی و همکاران

2. World Bank

3. Rectard & Rougier

4. Pietrobelli et al

5. Christ & ferrantino

تجارت دارد و این موضوع هنوز به عنوان اصلی ترین مانع در کشورهای در حال توسعه در مسیر حرکت زنجیره های ارزش قلمداد می شود.^۱

اتخاذ سیاست ها در راستای بهبود عملکرد لجستیک چه برای سرمایه گذاری و بهره برداری زیرساخت یا به منظور نظارت بر فرآیندها از جمله تسهیل تجارت در مرزها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بهبود کیفیت زیرساخت ها و ارتقای ارتباطات بین المللی از چند منظر همچون تحکیم پیوندهای رو به عقب و رو به جلو در زنجیره های ارزش جهانی با ایمن سازی جریان ها و کاهش هزینه های ورودی و خروجی، افزایش سرعت و کاهش عدم قطعیت نقش اصلی را ایفا می کند، بنابراین، زیرساخت های با کیفیت بالاتر و اتصال بهتر در مرزها می تواند تأثیر مثبتی بر مشارکت و ارتقا در زنجیره های ارزش جهانی داشته باشد.

تقویت و بهره گیری از چهار بعد اصلی زیرساخت ها شامل جاده ها، بنادر، خطوط ریلی و فرودگاه ها بسته به مکان قرارگیری کشورهای مشارکت کننده و نوع ادغام آنها در زنجیره های ارزش جهانی دارد. برای مثال، خریداران کشورهای آلمان، ژاپن و ایالات متحده، به عنوان سه مرکز اصلی زنجیره های ارزش جهانی، وابستگی بیشتری به حمل و نقل هوایی دارند یا اگر یک کشور به عنوان فروشنده یا خریدار در مجاورت کشورهای شریک خود قرار داشته باشد، لازم است از شبکه راه آهن و جاده قوی تری بهره مند باشد.^۲ دولت ها در این راستا، سیاست های تقویت ظرفیت زیرساخت ها را به گونه ای که هر چهار هدف خط مشی زنجیره ارزش جهانی گرا (تسهیل گری، تولید، خریدار، قانونگذار) را در بر دارد، در پیش می گیرند.^۳ این سیاست ها می تواند شامل بهبود زیرساخت های لجستیکی مانند جاده ها، فرودگاه، بنادر و مرزهای ملی، زیرساخت های مخابراتی یا ایجاد صنعتی پارک ها و انبارها، برای کمک به توسعه خاص صنایع باشد.^۳

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه داخلی

کمالی اردکانی (۱۳۹۹) با استفاده از آمار بانک جهانی در سال ۲۰۲۰ در بررسی چگونگی مشارکت و ارتقای ایران در زنجیره ارزش جهانی، آن را نیازمند جنبش فضای کسب و کار و سیاست های

1. OECD-WTO

2. Pietrobelli, & Staritz

3. De Marchi & Alford

اقتصادی کشور در راستای ثبات سیاسی و سیاستی، توسعه زیرساخت‌های خدماتی پشتیبان تولید، توسعه تجارت آزاد، دسترسی سریع و ارزان به مواد اولیه و بهبود عملکرد بانک‌ها برای تأمین مالی می‌داند که در حال حاضر با نقصان مواجه است. همچنین در کنار سیاست‌های اقتصادی مناسب، ایجاد ارتباط با بنگاه‌های خارجی صاحب تجربه و فن‌آوری برای طی کردن فرآیند یادگیری و تخصصی شدن فعالیت بنگاه‌ها و تمرکز بر قابلیت‌های مزیت‌ساز به عنوان مهم‌ترین عامل در ورود و ارتقای جایگاه کشور در زنجیره‌ها خاطر نشان شده است.

خلیلی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی وضعیت اقتصادی ایران در زنجیره ارزش جهانی طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۷ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تمرکز بر بازارهای داخلی و منبع‌محوری دو ویژگی اصلی اقتصاد ایران هستند که منجر به فقدان نگاه برون‌گرایانه شده و اقتصاد ایران را پایین‌تر از دیگر اقتصادهای دنیا قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اجرای بیش از سه دهه سیاست جایگزینی واردات باعث شده صنایع و تولیدکنندگان ایرانی عمدتاً بر بازار داخلی متمرکز شوند و نگاه برون‌گرا برای آنان در اولویت نباشد. اما در شرایط کنونی اقتصاد داخلی و جهانی، اتخاذ سیاست توسعه صادرات با محوریت مشارکت در زنجیره ارزش جهانی می‌تواند با در نظر گرفتن الزامات و پیش شرط‌های آن کمک کننده باشد.

۲-۲. پیشنهاد خارجی

ال‌واکاد و دسلنیکو (۲۰۲۱) در پژوهشی به منظور شناسایی وضعیت فعلی مشارکت مصر در زنجیره ارزش جهانی با بررسی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها و در عین حال برجسته کردن الزامات و موانع اصلی پیش روی مشارکت مصر در زنجیره ارزش جهانی با استفاده از رویکرد کیفی و از طریق انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با تمامی افراد مرتبط از بخش‌های دولتی و خصوصی و متخصصان این حوزه به این نتیجه رسیدند که مصر دارای نقاط ضعف و چالش‌های زیادی است که مشارکت این کشور را در زنجیره ارزش جهانی محدود می‌کند. بر این اساس، همه بخش‌ها باید روی پیوند زنجیره ارزش داخلی با زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی کار کنند. آنان با مروری بر نقش بخش‌های مختلف همچون سرمایه‌گذاری، صادرات و لجستیک و بخش حمل و نقل بین‌المللی پیشنهاد تدوین نقشه راه برای افزایش مشارکت مصر در زنجیره ارزش جهانی و پیوند زنجیره ارزش داخلی با زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی را ارائه کرده‌اند.

اوباساجو و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود در قاره آفریقا، شامل جامعه آفریقای شرقی، اتحادیه گمرکی آفریقای جنوبی و کشورهای غرب آفریقا، در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ و با استفاده از متغیر ساختگی حداقل مربع LSDV به این نتیجه رسیدند که یکپارچگی منطقه‌ای سهم ناچیزی در ارتقای کشورهای آفریقایی در زنجیره ارزش جهانی دارد، و در مقابل تقویت بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری به منظور آموزش و بهبود کیفیت نهادی از نقش پررنگ تری در این میان برخوردار است.

گرفی و همکاران (۲۰۲۱) در بررسی ابعاد درگیری‌های تجاری ایالات متحده و چین، نقش سیاست‌های تجاری را بررسی کرده و اذعان داشتند که لازم است نقش دولت به عنوان تسهیل‌گر بازرگانی شود. چین در خلال تنش‌ها تلاش کرد تا وابستگی خود به غرب را کاهش دهد و در مواجهه با افزایش موانع خارجی برای صادرات، ابتکاراتی مانند یک جاده یک کمربند، ساخت چین ۲۰۲۵ برای ترویج تولید با تکنولوژی بالا و نوآوری محلی و تغییر رویکرد به سمت بازار بزرگ داخل با استراتژی چرخه دوگانه را در پیش گرفت. در نتیجه برای کشوری مثل چین، برخلاف انتظار که محدودیت‌های تجاری منجر به کوچک شدن یا اختلال در زنجیره‌های ارزش جهانی می‌شود، نشان داد که پیامدهای ناخواسته سیاست‌های تجاری (هم محدودیت‌ها و هم توافقات تجاری) به تقویت زنجیره‌های ارزش نیز می‌انجامد. این پژوهش همچنین بر اهمیت هوشمندی در اتخاذ سیاست‌های تجاری در قبال زنجیره‌های ارزش جهانی و نوآوری تأکید می‌کند.

ژان (۲۰۲۱) در مقاله خود به بررسی روندهای آتی زنجیره ارزش جهانی پرداخته و ۱۰ جهت را برای آینده زنجیره‌های ارزش جهانی بینی می‌کند و آن را ناشی از ۵ نیروی بازتنظیم حاکمیت اقتصادی، انقلاب صنعتی جدید، تلاش برای پایداری، مسئولیت شرکتی و بازسازی ساختاری مبتنی بر تاب‌آوری عنوان می‌کند که سبب ایجاد چالش‌ها و فرصت‌هایی برای شرکت‌ها و دولت‌ها بوده و در نهایت منجر به تغییر پارادایم سرمایه‌گذاری - توسعه خواهد شد. وی با اشاره به تغییر زنجیره‌ها از جهانی به منطقه‌ای، اولویت‌های سیاست‌گذاری را بر مبنای تغییرات پیش‌بینی شده ارائه می‌دهد.

لین بو و پینگونگ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای در مورد روندهای جدید زنجیره‌های ارزش جهانی و سیاست‌های چین در پاسخ به این تحولات، بر بهره‌گیری از هوش مصنوعی و دیجیتال به عنوان مزیت نسبی کشور چین به منظور تأثیر بر زنجیره‌های ارزش جهانی و خلق ارزش افزوده بیشتر از

طریق ایجاد پیچیدگی در محصولات تأکید داشته و استفاده از ظرفیت ایستگاه فضایی چین و یک جاده یک کمر بند را در این راستا توصیه می‌کنند. همچنین آنان لزوم تشریک مساعی دولت چین با بخش خصوصی را بررسی کرده و با گزینی به بحث امنیت انرژی، از وابستگی شدید این کشور به نفت و زغال سنگ انتقاد کرده‌اند. راهکار این کاهش وابستگی را در توسعه ظرفیت‌های انرژی‌های تجدیدپذیر (انرژی خورشیدی، باد، جزر و مد، آب، هسته‌ای و یخ قابل اشتعال) دانسته و بر بهبود ترکیب انرژی مورد نیاز و تشویق به استفاده از انرژی سبز تأکید می‌کنند.

پیتروبولی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود در خصوص خط مشی‌های زنجیره‌گرا به بررسی ماهیت و دامنه زنجیره ارزش جهانی و سیاست‌های در راستای آن پرداخته‌اند. آنان سیاست‌های زنجیره ارزش جهانی‌گرا را بر اساس چهار دسته از اهداف مختلف سیاست‌ها به: مشارکت، جذب ارزش، فراگیر بودن و انعطاف‌پذیری تقسیم کردند. آنها همچنین با واکاوی مداخله دولت با ابزارهای خود در انواع مختلف سیاست‌های زنجیره محور و اهداف سه‌گانه وظایف، پیوندها و شرکت‌ها، به تشریح تفاوت سیاست‌های زنجیره محور و سیاست‌های عمومی سنتی می‌پردازند. آنها همچنین بر یافته‌های "گرفی، چین لیم و لی (۲۰۲۱)" در خصوص ارتقای فعالیت‌های اقتصادی چین در زمان مناقشه تجاری با ایالات متحده و تلاش بیش از پیش شرکت‌های چینی برای یافتن راهکار کاهش محدودیت‌ها مهر تأیید گذاردند.

جوی (۲۰۱۹) با استفاده از روش داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر تجارت منطقه‌ای بر مشارکت و ارتقا در زنجیره ارزش جهانی پرداخت و به این نتیجه رسید که کشورهایی که روابط یکپارچه عمیق منطقه‌ای دارند کالاهای واسطه‌ای بیشتری صادر می‌کنند، همچنین مشارکت بیشتر در زنجیره‌های رو به عقب و یکپارچگی منطقه‌ای عمیق‌تر به سازماندهی زنجیره‌های ارزش جهانی در امتداد خوشه‌های منطقه‌ای کمک می‌کند. وی در پژوهش خود دریافت که آسیا با مرکزیت چین، کالاهای واسطه‌ای بیشتری را از آمریکا و اروپا وارد و پس از مونتاژ، آنها را صادر می‌کنند.

بانگا (۲۰۱۸) در پژوهش خود با تکیه بر اینکه منافع حاصل از پیوند به زنجیره‌های ارزش جهانی برای همه کشورهای خودکار و یکنواخت نیست بلکه با ایجاد یک چارچوب، فرصت ارتقا را با در نظر گرفتن نوع مشارکت و قابلیت‌های فناورانه فراهم می‌کند، به بررسی ارتقای محصول و فرآیند در بنگاه‌های کشور هند پرداخته و نتایج نشان داد که شرکت‌های تحت ساختار حاکمیتی

نامتقارن (مانند کشورهای کمتر توسعه یافته) نسبت به شرکت‌های در زنجیره رابطه‌ای کالاهای پیچیده کمتری تولید می‌کنند که این موضوع به تعادل میان خریدار و فروشنده اشاره دارد. او همچنین پیشنهاد‌های سیاستی برای پیوند «موفقیت آمیز» شامل تقویت و تسهیل تجارت، بهبود محیط کسب و کار، توسعه زیرساخت‌ها، تنظیم سیاست‌های نوآوری هدفمند و حرکت به سمت زنجیره‌های رابطه‌ای از طریق مهارت‌ها و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات را ارائه کرده است. کلشا (۲۰۱۸) با بررسی نقش دولت در تقویت حضور بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور اسلوانی و با شناسایی سازه‌های اصلی بسته با دولت‌ها در راستای سیاست‌های حمایتی از حضور موفق بنگاه‌های کوچک و متوسط در زنجیره ارزش جهانی، یافته کلیدی را هماهنگی اقدامات دولت با بخش خصوصی و سازمان‌های بین‌المللی در سیاست‌گذاری و الزامات اجرایی آن در زنجیره ارزش جهانی می‌داند. وی همچنین موشکافی و تدقیق در مورد فرآیند ایجاد ارزش افزوده در صنایع با توجه به اندازه آنها، توزیع جغرافیایی و دقت در پوشش‌های استاندارد را عامل اتخاذ تصمیمات هدفمند سیاست‌گذاران برای مشارکت در زنجیره ارزش توصیف می‌کند.

احمد و کومار (۲۰۱۸) در بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت کشورهای در حال توسعه در زنجیره ارزش جهانی، سه دلیل عمده افزایش مشارکت این کشورها در زنجیره‌های ارزش جهانی را توسعه از رهگذر تعامل اقتصادی با دنیا در قالب سرمایه‌گذاری و توافقات منطقه‌ای و جهانی دو یا چند جانبه، تنوع سبد صادراتی به‌عنوان خروجی مشارکت در زنجیره ارزش و افزایش تجارت درون صنعتی و همچنین اشتغال زایی بیان داشته‌اند. آنها با بهره‌گیری از رویکرد ماتریس نظریه گراف، ۱۷ عامل مؤثر در توانمندسازی مشارکت‌کنندگان در زنجیره ارزش جهانی را در چهار گروه توانمندسازی اقتصاد کلان، توانمندسازی ژئواکونومیک، توانمندسازی استراتژیک و توانمندسازی ژئوپلیتیکی دسته‌بندی کرده و به این نتیجه رسیدند که این عوامل تحت تأثیر تنوع در فرهنگ و شرایط اقتصادی و سیاسی کشورها اثرگذاری متفاوتی دارند.

۳. روش پژوهش

این پژوهش، با توجه به سوابق اندک شمار مطالعاتی داخلی در این حوزه و لزوم بومی‌سازی تجارب موفق دیگر کشورها، با ماهیت کیفی، به لحاظ جهت‌گیری، کاربردی، از حیث هدف، اکتشافی، دارای رویکرد استقرائی و با استفاده از راهبرد نظریه داده‌بنیاد به طراحی الگو و تبیین

مدلی برای سیاست‌های دولتی در راستای ارتقای ایران در زنجیره ارزش جهانی پرداخته است. مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختار یافته صورت گرفته است. مصاحبه‌شوندگان بین ۴۲ تا ۵۳ سال سن داشته و از ۷ سال تا ۲۲ سال سابقه مدیریت دولتی در سطوح بالا را دارند. ۷ مصاحبه‌شونده مدرک تحصیلی دکترای تخصصی در حوزه بازرگانی و یک نفر نیز مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد دارد. همچنین ۳ نفر از مصاحبه‌شوندگان عضو هیأت علمی هستند. مصاحبه‌ها به صورت حضوری از اردیبهشت سال ۱۴۰۱ آغاز و در آذرماه ۱۴۰۱ پایان یافت. طولانی‌ترین زمان مصاحبه ۲ ساعت ۴۰ دقیقه و کوتاه‌ترین زمان مصاحبه نیز ۴۵ دقیقه بوده است.

پس از ۷ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد اما مصاحبه هشتم نیز به منظور حصول اطمینان صورت گرفت. در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شده است. نخست برای دستیابی به داده‌های خام از متن مصاحبه‌ها پس از بررسی‌های مکرر تعداد ۱۸۰ کد به‌عنوان کدهای اولیه استخراج گردید. سپس برای ایجاد مفاهیم با کنار هم قرار دادن کدهای متناظر از مرحله قبل تعداد ۷۲ کد محوری به دست آمد.

پایایی پژوهش نیز با روش پایایی باز آزمون جهت تعیین ضریب پایایی استفاده شد که به این منظور سه مصاحبه انتخاب و در فواصل زمانی مجدداً کدگذاری شدند و با توجه به اینکه نتیجه باز آزمون ۹۳ درصد بوده که نشانگر میزان پایایی بیش از ۶۰ درصد است لذا، می‌توان ادعا داشت که میزان پایایی تحلیل صورت گرفته مورد اعتماد است. به منظور اطمینان از روایی پژوهش نیز کدهای استخراج شده از ۴ مصاحبه، توسط مصاحبه‌شوندگان آن بررسی و تأیید شد.

۴. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش به منظور طراحی الگوی سیاست‌های دولتی برای ارتقای جایگاه ایران در زنجیره ارزش جهانی با استفاده از نظریه داده بنیاد در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شده است. نخست برای دستیابی به داده‌های خام از متن مصاحبه‌ها پس از بررسی‌های مکرر تعداد ۱۸۰ کد به‌عنوان کدهای اولیه استخراج گردید. سپس برای ایجاد مفاهیم با کنار هم قرار دادن کدهای متناظر از مرحله قبل تعداد ۷۲ کد محوری حاصل شد و در نهایت در کدگذاری انتخابی تعداد ۲۳ مقوله اصلی به دست آمد.

۱-۴. پدیده محوری

پدیده محوری پدیده‌ای است که در تمام مقولات اصلی دیگر نشانه‌هایی از آن یافت می‌شود. در این پژوهش ارتقای ایران در زنجیره ارزش جهانی پدیده محوری محسوب می‌گردد، جدول (۱) که حاصل از مقوله فرعی مزیت نسبی به عنوان اساس ارتقا در زنجیره ارزش جهانی است.

جدول ۱- پدیده محوری

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی
خلق ارزش از مزیت نسبی	شناسایی مزیت‌های نسبی
	احصا و دسته‌بندی مزیت‌های نسبی
	برنامه‌ریزی و اولویت‌گذاری مزیت‌های نسبی
	مزیت‌های نسبی به عنوان اساس زنجیره ارزش
	تبدیل مزیت‌های نسبی به مزیت‌های رقابتی

خلق ارزش از مزیت نسبی به عنوان پدیده محوری شناسایی شد. مزیت نسبی گام نخست و اساسی در زنجیره ارزش بوده و مصاحبه‌شوندگان آن را سبب شکل‌گیری تخصص در زنجیره‌ها، مشخص‌کننده نوع زیرساخت‌های مورد نیاز و برنامه‌ریزی برای تولید عنوان کرده‌اند. بیالوواس و بودزینسکا (۲۰۲۱) ارزش افزوده را معیاری برای رقابت‌پذیری محصولات می‌دانند که بر قدرت رقابت‌پذیری تأثیر می‌گذارد. نظر بالدوین (۲۰۱۱) نیز مبنی بر اینکه آنچه جایگاه کشورها را در زنجیره ارزش جهانی رقم می‌زند شناسایی و استفاده از منابع و مزیت‌های بالفعل و بالقوه در داخل و خارج با اتخاذ سیاست‌های مناسب در سطوح ملی و بین‌المللی است در این راستا است.

۲-۴. شرایط علی

به رویدادهایی دلالت دارد که مسائل مرتبط با یک پدیده را خلق کرده و پاسخ به شرایط خاصی که به صورت مستقیم بر پدیده محوری تأثیر می‌گذارد را تشریح می‌کند.

جدول ۲- شرایط علی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
ایجاد و توسعه زنجیره‌های ارزش داخلی	ایجاد زنجیره ارزش داخلی
	نقص در زنجیره‌های ارزش داخلی
تقویت زیرساخت‌های نرم و سخت	ایجاد و تقویت زیرساخت‌های نرم
	ایجاد و تقویت زیرساخت‌های سخت
صادرات کالاهای واجد ارزش افزوده	جلوگیری از خام فروشی
	اقتصاد منبع محور
بومی سازی و آسیب شناسی	بومی سازی مدل‌های موفق
	آسیب شناسی و تحلیل محیط داخلی و خارجی
تسهیل‌گری و هماهنگ‌کنندگی دولت	تسهیل‌گری دولت در ورود به زنجیره ارزش
	نقش هماهنگ‌کنندگی میان بازیگران زنجیره توسط دولت
فرماندهی واحد سیاست ساز و سیاستگذار	فرماندهی واحد فرادستگاهی
	سیاست‌گذاری متمرکز
	نگاه فرا جناحی در سیاست‌های تجاری
	سیاست سازی مناسب و انتقال درست به سیاستگذار
	اهمیت وجود نهادها در تصمیم سازی و شبکه سازی
	سیاست‌گذاری در راستای شناخت مساله
مدیریت منابع	اولویت‌گذاری سیاست‌ها
	تخصیص صحیح منابع توجه به محدودیت منابع
بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه‌ای	برنامه ریزی برای زنجیره‌سازی منطقه ای
	عقد پیمان‌های منطقه‌ای در راستای ارتقا در زنجیره ارزش

زیرساخت‌های سخت و نرم ابزاری برای نقش آفرینی و ارتقا در زنجیره‌های ارزش جهانی به شمار می‌روند. مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند که یکی از چالش‌های اصلی کشور فقدان زیرساخت‌های سخت مانند بندر و راه‌آهن و به صورت کلی سیستم لجستیک است. سازه‌های زیرساختی به‌عنوان یکی از عوامل کاهش هزینه‌های تجارت، در راستای مزیت‌های نسبی

و با هدف خلق ارزش افزوده ایجاد یا تقویت می‌شوند. توسعه زیرساخت‌ها در چارچوب توانمندسازی کلان اقتصادی در مدل احمد و کومار (۲۰۱۸) بیان شده است. تقویت ظرفیت زیرساخت‌ها شامل بهبود زیرساخت‌های لجستیکی مانند جاده‌ها، فرودگاه، بنادر و مرزهای ملی، زیرساخت‌های مخابراتی یا ایجاد پارک‌ها و انبارهای صنعتی، از سوی دولت‌ها برای کمک به توسعه صنایع خاص در راستای زنجیره ارزش جهانی نیز مورد تأکید دُمارشی و آلفورد (۲۰۲۱) بوده است.

یکی از مواردی که مشارکت‌کنندگان بر آن تأکید داشتند، استفاده بهینه از ظرفیت صنایع کشور در مشارکت و ارتقا در زنجیره ارزش جهانی با بهره‌گیری از کارکرد زنجیره ارزش داخلی (جدول ۲) است. بانگا (۲۰۱۸) در پژوهش خود با اشاره به تجربه کشورهای چین و ویتنام که با بهره‌گیری از زنجیره ارزش جهانی و در پیش گرفتن سیاست جذب سرمایه‌گذاری خارجی با شرکت‌های چند ملیتی ارتباط گرفته و نقاط پیوند بیشتری میان زنجیره‌های داخلی خود با زنجیره‌های ارزش جهانی ایجاد کرده‌اند، هند را، که حائز ظرفیت‌های بزرگ تولید عنوان می‌کند، غافل از پرورش زنجیره‌های ارزش داخلی و شرکت‌های پیشرو به عنوان حلقه اتصال با شرکت‌های چند ملیتی بزرگ برای ادغام و ارتقا در زنجیره‌های ارزش جهانی و توسعه تجارت توصیف کرده است. همچنین، الواکاد و دسلنیکو (۲۰۲۱) به لزوم تدوین نقشه راه برای افزایش مشارکت مصر در زنجیره ارزش جهانی و پیوند زنجیره ارزش داخلی با زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی تأکید دارند.

فرماندهی واحد سیاست‌گذار به منظور سیاست‌سازی و اولویت‌گذاری سیاست‌ها نقشی بی‌بدیل در توسعه مشارکت و ارتقا در زنجیره ارزش جهانی ایفا می‌نماید. نتایج مطالعه کلشا (۲۰۱۸) در مورد کشور اسلونی نشان از آن دارد که این کشور با وجود درجه بالای باز بودن تجاری و علیرغم اینکه یکی از کشورهای موفق در حوزه بالکان، به عنوان بهشت سرمایه‌گذاران شرق اروپا به شمار می‌رود و دوشادوش کشورهای صنعتی مسیر رقابت را در می‌نوردد، همچنان نیازمند اجتناب از پراکندگی نهادی و عدم هماهنگی نهادها در سیاست‌گذاری و اجرای آن در خصوص ارتقا در زنجیره ارزش جهانی است. راهکار در برابر چالش فراروی اجرای سیاست‌های مرتبط با زنجیره ارزش جهانی برای اسلونی در اصلاح و هماهنگی ساختار نهادی، تفکیک و شفاف‌سازی وظایف و مسئولیت‌ها با توجه به هماهنگی تمام ذینفعان

دولتی و بخش خصوصی برای اجرای سیاست‌های هدفمند، ایجاد و تقویت ساز و کار نظارتی و به حداقل رساندن عدم قطعیت در این سیاست‌ها است. با توجه به اینکه منافع حاصل از مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی به مجموعه‌ای از ویژگی‌های خاص کشور و صنعت وابسته است^۱ در تجزیه و تحلیل یک زنجیره ارزش لازم است تا بازیگران و سودبران شناسایی و نقش هرکدام بررسی شود. از مهم‌ترین این بازیگران ادارات، وزارتخانه‌های تجارت خارجی، اقتصاد همچنین روابط میان سودبران و اینکه سیاست‌گذاری و تغییرات توسط کدام نهادها هدایت می‌شود نیز به خصوص در بحث ارتقا و توسعه از اهمیت بالایی برخوردار است^۲. این موضوع با یافته‌های پژوهش با توجه به نظرات مشارکت‌کنندگان در خصوص اهمیت فرماندهی واحد مسلط به شرایط همسو است.

ورود به زنجیره ارزش جهانی، به عنوان پدیده‌ای ناشی از جهانی شدن، برنامه‌ای بلندمدت با الزاماتی چون هم‌کنشی قوی با دنیا، هماهنگی‌های داخلی میان دستگاه‌های سیاست‌گذار، اجرایی و بخش خصوصی است (کمالی اردکانی، ۱۳۹۹) که به تسهیل‌گری و هماهنگ‌کنندگی دولت، به عنوان یکی از مهم‌ترین بازی‌سازان این عرصه، نیاز دارد. مصاحبه‌شوندگان معتقدند این بازی‌سازی مستلزم بررسی‌های کارشناسی به منظور سیاست‌سازی و ارتباط قوی و اعتماد میان سیاست‌ساز و سیاست‌گذار است تا بتوان به نتیجه مناسبی رسید. پیتروبللی و همکاران (۲۰۲۱) در اتخاذ سیاست جذب ارزش در زنجیره ارزش جهانی با هدف تقویت ارزش آفرینی و حفظ آن، به نیاز به هماهنگی بازیگران مختلف سرمایه‌گذاری در طول زنجیره اشاره کرده‌اند.

تسهیل‌گری، به عنوان یکی از چهار نقش دولت در زنجیره ارزش جهانی، در مطالعات اخیر توجهات بسیاری را به خود جلب نموده است. دولت‌ها با تعریف بنگاه‌های داخلی به عنوان جزئی از سند کلان خود، زمینه فعالیت‌های آنان را هموار می‌کنند. هورنر و آلفورد (۲۰۱۹) دیدگاه غالب گذشته را افزایش جذابیت فضای کسب و کار برای بنگاه‌های محلی و پیشرو به عنوان وظایف دولت عنوان کرده‌اند اما آلفورد و فیلیپس تأیید می‌کنند که اکنون این رویکرد به نقش

1. World Bank

2. Gereffi, Stark

تسهیل‌گری فعالانه با مرکزیت تنظیم‌کنندگی فعالیت بنگاه‌ها، شامل تولید کالا و خدمات برای زنجیره‌ها، تغییر یافته است.

گزارش سال ۲۰۱۷ اتحادیه اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین و دریای کارائیب^۱ به افزایش وابستگی به درآمدهای ارزی ناشی از صادرات کالاهای خام ناشی از توجه نداشتن به اولویت ایجاد پیوند بین منابع طبیعی و تولید و فعالیت‌های خدماتی در کشورهای آمریکای جنوبی اشاره کرده است. صادرات کالاهای واجد ارزش افزوده نتیجه شناسایی مزیت‌ها، سیاستگذاری صحیح و مدیریت منابع است. بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان، با توجه به میزان خام فروشی ایران، ما حلقه ضعیفی در زنجیره ارزش جهانی هستیم. یکی از مشارکت‌کنندگان معتقد است: "در آینده نه چندان دور انرژی ارزان که از منابع ما بود را نخواهیم داشت. باید از منابع، که مزیت محسوب می‌شد، در نقاط قوت استفاده می‌کردیم و با درآمد حاصل از همین مزیت رقابتی برای مثال روی انرژی خورشید که مزیت ما است و سلول‌های خورشیدی هزینه می‌کردیم تا همچنان به منبع انرژی ارزان دسترسی داشته باشیم." همچنین، یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان نقل می‌کند که مرحوم شمس وهابی در تدوین زنجیره ارزش معدن در سال‌های ۹۶ و ۹۷ بر عدم انجام فرآیند ذوب، به ویژه در صنعت آلومینیم، در کشور به دلیل مصرف بالای انرژی اصرار می‌ورزید. در این راستا، نتایج پژوهش نجارزاده و همکاران (۱۳۹۹) بیانگر آن است که کشورمان برای دستیابی به سود حاصل از مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی، مسیر اتکا به وفور منابع طبیعی همچون نفت، معدن، پتروشیمی و صنایع فلزی را برگزیده که آلاینده و انرژی‌بر است و در نهایت از تقویت ظرفیت‌ها در بخش‌های خدماتی برای مشارکت در زنجیره‌ها بازمانده است.

شرایط فرارگیری ایران و همچنین همسایگی با ۱۳ کشور با توجه به یافته‌های پژوهش (جدول ۲) از مزیت‌های مهم و مغفول محسوب می‌شود که به درستی و اکمال از تمام ظرفیت‌های آن بهره‌نجام نکرده‌ایم. مشارکت‌کنندگان به ایده تولید در قالب زنجیره ارزش منطقه‌ای با ۱۳+۲ کشور و ایجاد شهرک‌های صنعتی مشترک جهت توسعه تجارت از سوی وزارت صنعت معدن و تجارت اشاره کرده‌اند. پاسکالی و دیگران (۲۰۲۰) زنجیره ارزش منطقه‌ای و تجارت فزاینده جنوب-جنوب را از ویژگی‌های کلیدی جهانی شدن قرن

بیست و یکم در نظر گرفته که با هماهنگی شرکت‌های پیشرو و تأمین‌کنندگان منطقه‌ای در چارچوب حاکمیت بخش خصوصی و متأثر از سیاست‌گذاری‌ها و مداخلات دولتی است. همانگونه که می‌توان از ظرفیت‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای عضو پیمان شانگهای سود برد.

همچنین، بررسی‌های ژان (۲۰۲۱) در خصوص روندهای آتی زنجیره ارزش مؤید آن است که مسیر زنجیره‌ها از جهانی شدن به سمت منطقه‌ای شدن در تغییر است. منطقه‌ای‌سازی زنجیره ارزش می‌تواند نتیجه عقب‌نشینی از زنجیره‌های ارزش جهانی و بازتعریف ساختار شبکه تولید جهانی شرکت‌های چند ملیتی به چندین مرکز تولید منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای باشد. رشد تولیدات بومی در چارچوب و ظرفیت بین‌المللی و ایجاد زنجیره‌های جدید در منطقه توسط شرکت‌های چند ملیتی نتیجه توسعه زنجیره‌های منطقه‌ای خواهد بود. البته ایجاد زنجیره ارزش منطقه‌ای به آسانی صورت نمی‌گیرد و نیاز به هماهنگی درون منطقه‌ای و زمینه مساعد دارد. به هر روی شتاب منطقه‌ای شدن زنجیره ارزش زیاد است و انتظار می‌رود در سال‌های پیش رو نیز رشد بیشتری داشته باشد. پیشران‌هایی همچون گسترش طرح‌های ادغام منطقه‌ای مانند سرمایه‌گذاری‌های منطقه‌ای و قراردادهای تجارت آزاد، فشار برای افزایش تاب‌آوری پس از همه‌گیری، خودتکایی منطقه‌ای، تشدید تنش‌های ژئوپولیتیکی، فشار برای پایداری و مسئولیت‌پذیری زنجیره تأمین و در نهایت افزایش حمایت‌گرایی نیز ممکن است بیشتر به منطقه‌ای شدن زنجیره‌های ارزش دامن بزند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۳-۴. راهبردها و اقدامات

از راهبردها با عنوان روش‌های مبتنی بر کنش‌ها و واکنش‌ها جهت کنترل و برخورد با پدیده محوری که حسب اهداف، در راستای پدیده یا مواردی که پیامدهایی برای پدیده محوری به همراه خواهد داشت، یاد می‌شود. با بهره‌گیری از راهبردهای مناسب می‌توان به تحقق پدیده محوری کمک نمود.

جدول ۳- راهبردها و اقدامات

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
جایگاه یابی و سهم خواهی در زنجیره ارزش جهانی	جایگاه یابی در زنجیره ارزش جهانی
	سهم خواهی از زنجیره ارزش جهانی
استفاده از ظرفیت ویژه دانشی و تجارب متخصصین	استفاده از دانش نهادهای بین‌المللی مانند ITC
	تجارب رایزنان بازرگانی
استفاده از ظرفیت ویژه لجستیکی و راهبردهای خلاقانه در ارتقا	تهاتر به عنوان ابزار مشارکت و ارتقا
	توجه به لجستیک و موقعیت جغرافیایی
مشارکت بخش خصوصی قدرتمند	بخش خصوصی قدرتمند
	وظایف اجرایی بخش خصوصی
سرمایه‌گذاری بر توسعه صنایع کاربر و خدمات	سرمایه‌گذاری بر صنایع کاربر به جای صنایع سنگین
	بهره‌گیری از درآمدهای ناشی از ارزش افزوده
	برای توسعه زنجیره و ارتقا
	متنوع‌سازی خدمات
بهبود دیپلماسی اقتصادی	توجه به خدمات برای ارتقا در زنجیره
	ایجاد نگرش مثبت جهانی به ایران
	هم‌کنشی سازنده با دنیا
	دیپلماسی اقتصادی
آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی با توجه به روندهای آتی زنجیره ارزش جهانی	مطالعه و آینده‌پژوهی برای ارتقا در زنجیره ارزش جهانی
	ایجاد هسته دانشی برای تدوین سیاست‌های کلی ارتقا
	تدوین نقشه راه
	برنامه‌ریزی بلندمدت برای مشارکت و ارتقا در زنجیره ارزش جهانی

۳-۴-۱. استفاده از ظرفیت ویژه دانشی و تجارب متخصصین

راهبرد استفاده از ظرفیت ویژه دانشی و تجارب متخصصین نقش مهمی در فرآیند ارتقا ایفا می‌کند. دوتا (۲۰۲۰) فرآیند ارتقا را مستلزم شکل‌گیری سیاست‌های کشور به گونه‌ای می‌داند که از مزیت نسبی آن در مسیر انباشت دانش به منظور تحقیق و توسعه و قابلیت‌های یادگیری نیروی انسانی، برای توسعه بیشتر این قابلیت‌ها سود جوید. بازاوان (۲۰۱۹) به این نکته اشاره دارد که

پژوهش‌ها در حوزه زیرساخت دانش نشان داده تا آنجا که در نقش تسهیل‌گری دولت می‌گنجد، پیوند میان مؤسسات تحقیقاتی و بنگاه‌های تولیدی، سبب ارتقای محصولات یا ارتقای بین بخشی شده و ضمن امکان ورود بنگاه به صنعت جدید، ارزش افزوده بیشتری نیز به ارمغان می‌آورد.

یافته‌های پژوهش (جدول ۳) نشان از کم‌توجهی به این موضوع دارد که تعداد ریزبانان بازرگانی در کشورهای هدف صادراتی و عدم پیوند شایسته میان مراکز آموزش عالی با نهادهای تجارت و صنعت توسط دولت بیانگر آن است.

فاگربرگ و دیگران (۲۰۱۰) نیز در پژوهش خود دریافته‌اند که اگرچه برخی از کشورهای نوظهور مسیرهای سریعی برای رسیدن به اهداف خود، در راستای ارتقای دانش را طی کرده‌اند اما بسیاری دیگر از کمبود منابع بومی فناوری و ظرفیت‌ها رنج می‌برند و صرفاً بر فناوری‌های منتقل شده از کشورهای پیشرفته متکی هستند.

۴-۳-۲. استفاده از ظرفیت ویژه لجستیکی و راهبردهای خلاقانه در ارتقا

بر اساس گزارش سازمان تجارت جهانی^۱ و سازمان توسعه اقتصادی^۲ در سال ۲۰۱۳ برخی از مطالعات، اهمیت حمل و نقل، زیرساخت‌های مربوط به آن و اداره مرزها را تا بدانجا می‌برد که حتی نسبت به حذف کامل تعرفه‌ها نیز تأثیر بیشتری بر افزایش مشارکت و ارتقا در زنجیره‌های ارزش جهانی و انتفاع کشورها در چارچوب تولید ناخالص داخلی و توسعه تجارت دارد و این موضوع هنوز به‌عنوان اصلی‌ترین مانع در کشورهای در حال توسعه در مسیر حرکت زنجیره‌های ارزش قلمداد می‌شود. مشارکت‌کنندگان لجستیک را از اصلی‌ترین چالش‌های کشور و در عین حال یک مزیت نسبی می‌دانند که اگر دیده نشود آرام آرام از بین می‌رود کما اینکه تاکنون نیز فرصت‌های لجستیکی و ترانزیتی بسیاری جایگزین ظرفیت کشورمان در منطقه شده است.

استفاده از راهبردهای خلاقانه در مشارکت و ارتقا در زنجیره ارزش جهانی، که به‌عنوان راهبردها و اقدامات در مدل پژوهش بیان شده و مشارکت‌کنندگان با ترسیم صادرات خدمات فنی و مهندسی برای توسعه معادن و تهیه خوراک برای واحدهای تولیدی در قالب تهاتر اشاره

شده می‌توان در حرکت به سمت یکپارچگی عمیق اقتصادهای عضو آ.سه.آن در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای به صورت پیشرفته‌تری یافت. به گونه‌ای که بر اساس پژوهش چانگویی و جو (۲۰۱۳) می‌بینیم که چین از سال ۲۰۱۳ نسبت به طراحی پلتفرم تهاتر کسب و کارهای الکترونیک برای توسعه تجارت میان کشورهای عضو آ.سه.آن اقدام کرده است.

۴-۳-۳. مشارکت بخش خصوصی قدرتمند

یافته‌های پژوهش (جدول ۳) در مورد لزوم وجود بخش خصوص قدرتمند، تعریف چارچوب و ریل‌گذاری از سوی دولت و نظارت بر اجرای نقش‌های واگذار شده به بخش خصوصی در قالب تعامل مناسب و سازنده، با نظر پیترولی و استاریتز (۲۰۱۷) که مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی در حوزه سیاست‌گذاری، تجهیز شرکت‌ها به ابزار نوآوری در قالب فراهم‌آوری فرصت مطلوب و توسعه همکاری سازمان‌ها و شرکت‌های خارجی با بخش خصوصی را نیازمند است، همسو می‌نماید.

هورنر و آلفورد (۲۰۱۹) نیز یادآور شده‌اند که تمام دولت‌ها ظرفیت و قدرت یکسانی در بستگی با کارکردهای در راستای زنجیره‌های ارزش ندارند و نیازمنده بهره‌گیری از گنجایش بخش خصوصی هستند. هرچند دولت‌ها تنها شکل دهندگان زنجیره ارزش نیستند اما یکی از ابزارهای سیاسی آنان محسوب می‌شود.

۴-۳-۴. سرمایه‌گذاری بر صنایع کاربر و خدمات

یکی دیگر از راهبردها و اقدامات لازم به منظور افزایش مشارکت و همچنین ارتقا یافتن در زنجیره ارزش جهانی که این پژوهش به آن دست یافت، سرمایه‌گذاری بر توسعه صنایع کاربر و خدمات است. زنجیره‌های ارزش کالاهای کاربر است. این صنایع شامل نساجی و پوشاک، کفش، اسباب‌بازی، مبلمان و محصولات از این دست است که ضمن قابلیت کاربری بالا، نیاز به نیروی کار کم مهارت داشته و تجارت بیشتری نیز در آن صورت می‌گیرد. کشورهای در حال توسعه با سهم ۶۲ درصدی در این گروه، گرایش بیشتری به تولید در این چارچوب دارند. همچنین، اتخاذ سیاست‌های داخلی برای تقویت پیوندهای زنجیره ارزش جهانی (افزودن ارزش داخلی

در صادرات کالاهای واسطه‌ای) در بخش‌های کاربر می‌تواند فرصت‌های شغلی مهمی را ایجاد کند.^۱ ژان (۲۰۲۱) در بررسی ۱۰ ویژگی برجسته روندهای آتی زنجیره ارزش جهانی، به سهم رو به رشد خدمات در بطن بازسازی زنجیره ارزش جهانی و در فرآیند تغییر الگوی تجارت جهانی تأکید نموده است. که همسو با نظرات مصاحبه‌شوندگان در خصوص ضرورت توجه بیش از پیش به مقوله خدمات و متنوع‌سازی آن بر اساس ظرفیت‌های کشور است.

۴-۳-۵. بهبود دیپلماسی اقتصادی

بهبود دیپلماسی اقتصادی از دیگر راهبردها و اقدامات تعیین شده در مدل است. احمد و کومار (۲۰۱۸) تأکید می‌کنند هرچند دولت‌ها تنها شکل دهندگان زنجیره ارزش نیستند اما یکی از ابزارهای سیاسی آن محسوب می‌شوند. در زمانه به هم پیوستگی جهانی و وابستگی متقابل اقتصادی توجه ویژه به سیاست خارجی دولت‌ها برای برآوردن نیازهای استراتژیک و اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است، تا بدان جا که تقویت روابط تجاری با ابزار دیپلماسی در سطح منطقه و جهان بر میزان مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی و شبکه‌های تولید می‌افزاید.

۴-۳-۶. آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی

در خصوص آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی در راستای ارتقا در زنجیره ارزش یافته‌های پژوهش بر اساس نظریات مصاحبه‌شوندگان تأکید دارد که مشارکت حداکثری و ارتقای کشور در زنجیره ارزش جهانی نیازمند برنامه‌ریزی مدون در سطح کلان با نگاه بلندمدت و سند بالادستی از جنس آینده‌پژوهی و ایجاد تصویر کلی از قابلیت‌ها برای ایجاد زنجیره‌های داخلی در گام نخست و سپس زنجیره ارزش جهانی است. همچنین لازم است بومی‌سازی مدل‌های موفق ارتقا در زنجیره ارزش توسط نهاد حاکمیتی صورت گیرد. نکته با اهمیت در این خصوص در مطالعات بانگا (۲۰۱۸) آن است که بررسی اینکه چگونه کشورهای در حال توسعه در زنجیره‌های ارزش جهانی ارتقا می‌یابند محور مطالعات بسیاری بوده که اکثر آنها ماهیت کیفی یا مبتنی بر مطالعات موردی و بومی دارند و عدم تعمیم‌پذیری این پژوهش‌ها چالش برانگیز است.

۴-۳-۷. جایگاه یابی و سهم خواهی

جایگاه یابی و سهم خواهی از زنجیره ارزش جهانی به عنوان یکی از دستاوردهای این پژوهش بوده (جدول ۳) و مطالعات پیشین به این شیوه به آن نپرداخته است. بر اساس نظر مشارکت کنندگان، مشارکت و ارتقا در زنجیره ارزش جهانی با سهم خواهی ما آغاز می شود. همچنین، جایگاه یابی به واسطه دیپلماسی اقتصادی، برندسازی و معرفی ظرفیت ها و اقدامات در آن راستا صورت خواهد گرفت.

۴-۴. شرایط مداخله گر

شرایط مداخله گر (جدول ۴) به شرایط عام تری قلمداد می شوند که فضا، زمان و فرهنگ را در بر گرفته و به تسهیل گری یا محدودکنندگی راهبردها با متغیرهای طیفی خیلی دور تا خیلی نزدیک، کمک می کنند.

جدول ۴- شرایط مداخله گر

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی
تحریم	شرایط تحریمی کشور
	دشواری ورود به زنجیره ها
توسعه نیافتن ظرفیت های داخلی اقتصادی	ضعف در برند سازی
	نبودن اقتصاد بر پایه خلاقیت

تحریم در قالب یکی از مهم ترین عوامل مداخله گر در اثربخشی راهبردها نمود پیدا می کند. با توجه به اینکه مقوله تحریم طولانی مدت همه جانبه منحصر به کشورمان بوده لذا در مطالعات بین المللی به ندرت به آن پرداخته شده است. توسعه نیافتن ظرفیت های اقتصادی و در ذیل آن توجه به بازار داخل به عنوان یک دارایی ارزشمند از دیگر عوامل مداخله گر محسوب می شود که در پیشینه پژوهش سوابق قابل استنادی در این خصوص وجود ندارد. در واقع تحریم و توسعه نیافتن ظرفیت های اقتصادی و توجه به بازار داخل به عنوان یک دارایی از مواردی است که این پژوهش به آن دست یافته است.

۴-۵. شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای (جدول ۵) مجموعه‌ای از ویژگی‌های منحصر به فردی است که سبب تسریع یا تحدید راهبردها در راستای تحقق پدیده محوری می‌شود.

جدول ۵- شرایط زمینه‌ای

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
اصلاح حکمرانی	بازتعریف نقش حکمران
	اصلاح جهت‌گیری‌های حکمرانی
	اصلاح رویکرد کلان تجاری دولت
	تحدید مداخلات دولت
	ایجاد شرایط پایدار سیاسی
	ایجاد شرایط پایدار قانونی
حمایت و ایجاد رقابت	حمایت حساب شده دولت از بنگاه‌ها
	تعامل دولت و بخش خصوصی و ایجاد فضای رقابت
همسوسازی سیاست‌های ارزی و تجاری	همسویی سیاست‌های ارزی و تجاری
	اصلاح رویکرد بانک مرکزی

رفع نواقص مدل حکمرانی و به صورت کلی اصلاح رویکرد حکمران به عنوان یافته پژوهش (جدول ۵) در ذیل شرایط زمینه‌ای قرار گرفته لازم‌آ آن بازتعریف نقش حکمران در حوزه مسائل تجاری، تحدید مداخلات دولت به نظارت و کنترل و ایجاد ثبات شرایط قانونی و سیاسی است. که در این خصوص و به این عنوان در مطالعات گذشته موردی یافت نشده است. لذا، پژوهش‌ها در زمینه حکمرانی عمومی و سیاست‌گذاری در حوزه زنجیره ارزش تنها به چهار نقش دولت در تحقیقات گرفی، دُومارشی و هورنر در این خصوص اشاره کرده است.

نقش‌نهادهای داخلی مانند دستگاه‌های نظارتی و سیاست‌صنعتی که ممکن است بر روند مشارکت و ارتقا تأثیر بگذارد، در پژوهش پاپکین و فوئنتس (۲۰۱۷) بررسی و از نظر تئوری مشخص شده است که چنین مؤسساتی نقش مهمی دارند، اما اینکه کدام رفتارها برای یادگیری، ظرفیت‌سازی سازمانی و حمایت از ارتقا مهم هستند هنوز به‌طور کامل روشن نشده است. حمایت و ایجاد رقابت از عوامل مهم زمینه‌ای قلمداد می‌شود. حسب نظر مصاحبه‌شوندگان

لازم است دولت از حمایت‌های حساب نشده اجتناب کند و چتر حمایت خود را بر شرکت‌های فناور بیشتری بگسترده. پیتروبولی و دیگران (۲۰۲۱) در این راستا، طی مطالعات خود بر این نکته تأکید کرده‌اند که مشارکت در زنجیره ارزش جهانی به عنوان یکی از سیاست‌های دولت با هدف ورود و تقویت مشارکت بنگاه‌های محلی تقویت رقابت برای فعال‌سازی بازار است. دُومارشی و آلفورد (۲۰۲۱) نیز در این خصوص اذعان داشته‌اند که مقررات طراحی و اجرا شدن از سوی دولت با هدف حمایت از ایجاد و حفظ ارزش افزوده و با حذف واسطه بر قیمت و کیفیت محصول تأثیر می‌گذارد و اقدامات حفاظتی نیز به منظور پشتیبانی از بنگاه‌های داخلی است تا زمانی که محصولات آنها قدرت رقابت پذیری در سطوح بین‌المللی را کسب کنند ادامه داشته باشد.

در مورد اهمیت همسوسازی سیاست‌های ارزی و تجاری رای و میگلانی (۲۰۲۰) در پژوهش خود پیش‌بینی کرده‌اند که کشور هند با هماهنگی کردن فعالیت‌های نهادهای مختلف سیاست‌گذاری و اجرا می‌تواند به نتایج بسیار خوبی دست یابد. گام نخست، هماهنگ‌سازی و شناخت متقابل استانداردها در طول زنجیره ارزش، کاهش موانع در مرز از جمله گمرک و فرآیندهای تسهیل تجارت و نیاز به افزایش سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و گام دوم تضمین هماهنگی میان وزارتخانه‌ها در اتخاذ تصمیمات سیاستی است که با اولویت‌های یکپارچه‌سازی زنجیره‌های ارزش جهانی همراستا می‌شوند. یافته‌های پژوهش در این خصوص به ویژه بر لزوم همسوسازی سیاست‌های ارزی بانک مرکزی و سیاست‌های تجاری وزارت صمت تأکید می‌کند.

۴-۶. پیامدها

پیامدها، حاصل کنش‌ها و واکنش‌ها بوده و شامل نتایجی است که از سوی مشارکت‌کنندگان در فرآیند مصاحبه به آنها اشاره شده یا بر آن تأکید شده است، این پیامدها می‌تواند حائز آثار منفی یا مثبت و یا خنثی باشد!

جدول ۶- پیامدها

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
توسعه متوازن	کاهش مصارف ارزی
	قرار گرفتن در مسیر توسعه و اشتغال
	تولید ثروت
اقتدار تکنولوژیکی	فناوری برای ارتقا در زنجیره ارزش جهانی
	بپیچیدگی تولید
	اقتدار تکنولوژیکی برای ارتقا در زنجیره ارزش

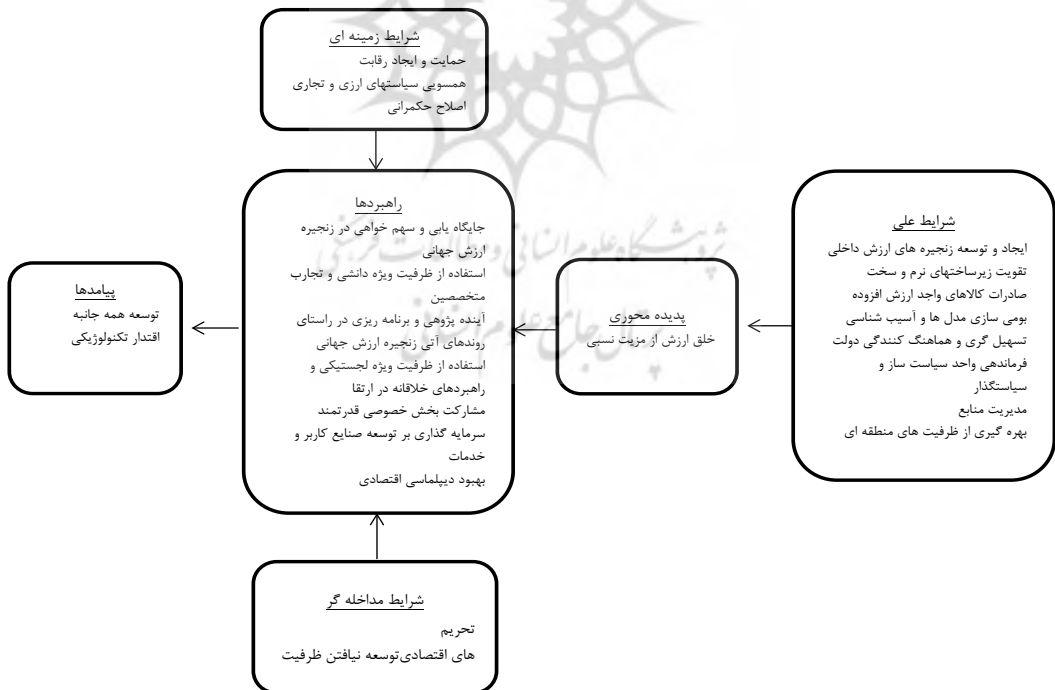
توسعه و رقابت پذیری از نظر گرفی و دیگران (۲۰۲۱) دو نتیجه تولید و اشتغال است که ماحصل الگوهای تجدید تجارت بین‌المللی به واسطه زنجیره ارزش جهانی با بهره‌گیری از دو مفهوم اصلی ارتقا و حکمرانی است. همچنین بر اساس پژوهش پیترویلی و دیگران (۲۰۲۱) به استناد گزارش ۲۰۱۹ بانک جهانی هنوز نیمی از تجارت دنیا درون زنجیره‌های ارزش جهانی انجام می‌شود و می‌توان گفت به پارادایم تأثیرگذار در حوزه توسعه در محافل سیاسی تبدیل شده و با کارکردهای مهمی از جمله افزایش بهره‌وری و ایجاد اشتغال، محرک قدرتمندی برای رشد اقتصادی کشورها قلمداد می‌شود. دوتا (۲۰۲۰) نیز ارتقا در زنجیره‌های ارزش جهانی را مترادف با توسعه اقتصادی توصیف می‌کند. این موضوع در نظرات مصاحبه شونده‌گان به صورت شناسایی جهت‌های آتی توسعه و بهره‌گیری از زنجیره‌های ارزش داخلی و جهانی در راستای آن تبلور یافته است.

همچنین احمد و کومار (۲۰۱۸) در بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت کشورهای در حال توسعه در زنجیره ارزش جهانی، دستیابی به قابلیت تکنولوژیکی را به عنوان یکی از عوامل توانمندساز استراتژیک به مفهوم مهارت‌هایی که به همگام‌سازی تولید و سایر اجزا با چشم‌اندازهای در حال تحول فناوری و رقابتی کمک می‌کند، مطرح کرده‌اند. دومارشی و آلفورد (۲۰۲۰) نیز اظهار داشته‌اند که ادبیات زنجیره ارزش جهانی در وهله نخست بر آن فرصت‌هایی از ارتقا متمرکز دارد که از طریق ارتباط دانش برای تأمین‌کنندگان درکشورهای در حال توسعه حاصل می‌گردد چرا که با قرار گرفتن در معرض دانش روزآمد و اطلاعات جدید و کاربردی، می‌توانند قابلیت تکنولوژیکی خود را بهبود بخشند. یافته‌های پژوهش همسو با این نکته، بر اقتدار تکنولوژیکی به عنوان پیامد ارتقا در زنجیره ارزش جهانی اشاره دارد. نتایج تجربی پژوهش بانگا (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که در کنار عوامل

خارجی مانند مشارکت و حاکمیت در زنجیره‌های ارزش جهانی، تلاش‌های داخلی کشورها برای ارتقا نیز مهم است و کشورها می‌توانند سطح پیچیدگی محصول خود را با سرمایه‌گذاری در ظرفیت نوآورانه خود به‌طور قابل توجهی بهبود بخشند. این امر به آنها امکان می‌دهد دانش یا فناوری خارجی را بهتر جذب و اجرا کنند. شواهد تجربی بیشتر نشان می‌دهد که ویژگی‌های بنگاه‌ها مانند قدمت و اندازه و همچنین تمرکز صنعت، نقش مهمی در تعیین میزان پیچیدگی محصول دارند.

۴-۷. مدل نهایی پژوهش

پژوهشگر در مرحله کدگذاری انتخابی با استفاده از جستجوها و بررسی‌های عمیق در داده‌ها، تحلیل موشکافانه آنها را در چارچوب نظریه داده بنیاد ارائه می‌کند. در این گام، با مشخص کردن هسته پژوهش، سایر مقولات را در محور آن و در قالب الگوی پارادایمی به تصویر می‌کشد که شامل ابعاد شرایط، تعاملات و پیامدها است. الگوی پارادایمی این پژوهش بر اساس الگوی استراوس و کوربین طراحی و به صورت زیر ارائه شده است.



شکل ۱- مدل پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از نکات قابل توجه در مصاحبه‌ها ایجاد توازن در مزیت‌های نسبی، ظرفیت تولید و زیرساخت‌های مرتبط است. به نظر می‌رسد برای اثر بخشی اقدامات، توجه به برقراری توازن میان این سه با اهمیت باشد. چنانکه بازاریابی برای حضور در زنجیره انجام می‌شود، ظرفیت تولید به همان اندازه باید افزایش یابد و زیرساخت‌های مالی و گمرکی نیز مطابق آن پیش‌بینی شود. در مواردی که عدم توازن حادث می‌شود، باعث هدر رفت یکی از ظرفیت‌ها شده و در نهایت ممکن است به از دست رفتن بازار هدف بیانجامد. لازمه برقراری توازن، مطالعات همسو، دقیق و عمیق کارشناسی دستگاه‌ها و نهادهای متولی، مانند گمرک جمهوری اسلامی ایران، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت جهاد کشاورزی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به لحاظ نظری و میدانی و رسیدن به وحدت رویه است.

جایگاه یابی و سهم خواهی در زنجیره ارزش جهانی در راستای مشارکت و ارتقا در زنجیره ارزش جهانی در گرو بهبود دیپلماسی اقتصادی، برندسازی و بهبود و معرفی ظرفیت‌های کشور است. بر این اساس لازم است متناسب با مزیت‌های نسبی کشور و زنجیره‌های ارزشی که امکان مشارکت و ارتقا برای ایران در آن وجود دارد، نسبت به بهبود ظرفیت تولید برنامه‌ریزی و اقدام صورت گیرد. در این مسیر با روزآمد کردن دانش برندسازی و ایجاد نام‌های تجاری با پشتوانه قدرتمند و معرفی آن در رویدادهای تجاری بین‌المللی به واسطه دیپلماسی اقتصادی می‌توان ضمن جلب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی جایگاه بهتری در زنجیره‌ها کسب کرد و به تدریج ارتقا یافت.

استفاده از ظرفیت ویژه لجستیکی به‌عنوان یک راهبرد، نیازمند بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل و ترانزیت است، علیرغم وجود ظرفیت‌های سرشار ترانزیتی با توجه به وضعیت قرارگیری جغرافیایی کشور در شریان‌های حیاتی تجارت منطقه، کمبود و ضعف در تخصیص ناوگان حمل و نقل مانع بهره‌گیری بهینه از این مزیت بی‌نظیر است. لذا، تقویت خدمات لجستیکی و حمل و نقل در پیشبرد اهداف ارتقا در زنجیره ارزش جهانی راه‌گشا خواهد بود.

همچنین در بخش راهبردهای خلاقانه می‌توان به تهاوت به‌عنوان پدیده‌ای در تجارت، از دیرباز مورد توجه دولت‌های سراسر دنیا بوده است، توجه نمود. این ابزار در تجارت خارجی منحصر به کشورهای درگیر تحریم نیست و مطالعات و جستجوهای پژوهشگر حاکی از آن است

که اغلب کشورهای دنیا از تهاتر جهت پیشبرد اهداف تجاری خود استفاده می‌کنند. از مزایای آن می‌توان به جلوگیری از کسری تراز تجاری حمایت از منابع ارزی کشور، استفاده از ظرفیت‌های متنوع تولید و دستیابی به بازارهای جدید اشاره کرد. در این پژوهش به تهاتر به عنوان راهبرد خلاقانه در ارتقا نگریسته شده است. در حال حاضر، حسب بند (۱۳) تبصره (۶) بند (ح) ماده (۲) مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تهاتر به عنوان یکی از روش‌های برگشت ارز حاصل از صادرات لحاظ گردیده و سازمان توسعه تجارت ایران نسبت به اجرای سازوکار تهاتر مسئولیت‌های سیاستی و نظارتی دارد.

در خصوص اهمیت استفاده از ظرفیت ویژه دانشی و تجارب متخصصین داخلی و خارجی در ارتقای صنایع کشور در زنجیره ارزش جهانی می‌توان به راینزبان بازرگانی، مشاورین خارجی و داخلی و مراکز علمی - پژوهشی کشور اشاره کرد. شناخت کامل از بازارهای هدف صادراتی و ایجاد پیوند میان فعالین اقتصادی ایران با دیگر کشورها با بهره‌گیری از راینزبان بازرگانی میسر خواهد بود چنانکه افزایش تعداد راینزبان بازرگانی فعال و با تجربه می‌تواند زوایای پنهان دیگر بازارها را در راستای توسعه تجارت بنمایاند و همچنین در معرفی توان تولیدی و تجاری کشورمان مفید فایده واقع شود. برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر و مشاوره متخصصان خارجی، مانند ITC، برای آگاه‌سازی تجار و فعالین اقتصادی از تحولات بازرگانی بین‌المللی و آشنایی آنان با روش‌های نوین تولید و تجارت و تقویت تعامل نهادهای مربوط به صنعت و تجارت با مراکز آموزش عالی منجر به ارتقای دانش فنی و در نهایت منتج به ارتقا در زنجیره ارزش جهانی و کاهش مصارف ارزی خواهد شد.

آینده پژوهی و برنامه‌ریزی در جهت روندهای آتی زنجیره ارزش جهانی به عنوان یکی از عوامل راهبردی برای ارتقا در زنجیره ارزش جهانی لازم است مورد توجه ویژه دستگاه‌های دولتی قرار گیرد. می‌توان انتظار داشت که وضعیت تجاری حال حاضر کشور و فقدان مشارکت فعال و ارتقای بهینه، ناشی از تحریم، با تغییر در رویکرد دیپلماسی اقتصادی و برنامه‌ریزی صحیح با رویکرد آینده‌پژوهی بهبود یابد. تدوین سند سیاست‌های صنعتی در سال ۱۴۰۰ و همچنین چهار سند پیشین از سوی وزارت صمت (که اجرایی نگردیده)، به عنوان گام جدی در پیش‌بینی اقدامات خنثی‌ساز اثرات تحریم بر تجارت خارجی، قابل توجه است. لذا، با عنایت به اینکه سازمان توسعه تجارت ایران به عنوان متولی تجارت خارجی در کشور است، روزآمد کردن اسناد

یاد شده با توجه به بازارهای هدف و مذاکرات صورت گرفته اخیر با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای عضو پیمان شانگهای، می‌تواند در اجرای آن با اهمیت باشد. ضمن آنکه یکی از جدی‌ترین آسیب‌ها در این زمینه، که در مصاحبه‌ها نیز به آن اشاره شده عدم وجود تصویر کلی دراز مدت و نگاه مجزای هر دولت است. در واقع فقدان یک رویکرد کلان فارغ از تضادهای سیاستمداران داخلی به مقوله برنامه‌ریزی تجاری و اقتصادی از مواردی است که سبب شده رویه هر دولت حتماً همراه با نقض رویه‌های دولت‌های پیشین باشد.

مشارکت بخش خصوصی قدرتمند در چارچوب راهبرد ارتقا در زنجیره ارزش جهانی، از یک سو مستلزم وجود فعالین اقتصادی دارای هویت مستقل از دولت، آگاه به شرایط داخلی و بین‌المللی و مطالبه‌گر و از سوی دیگر دولت تسهیل‌گر، ناظر و زمینه‌ساز فعالیت تجاری و تولیدی است. بنابراین، به نظر می‌رسد تغییر رویکرد در این دو نهاد بتواند در کنار دیگر سیاست‌ها سبب دستیابی به اهداف توسعه تجارت به ویژه مشارکت و ارتقا در زنجیره ارزش جهانی باشد.

سرمایه‌گذاری بر توسعه صنایع کاربر و خدمات با در نظر گرفتن نوع نقش ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی و منطقه‌ای و در راستای استراتژی صنعتی متناسب با شرایط، می‌توان به صنایع کاربر به‌عنوان یک مزیت رقابتی نگریست. بر این اساس، جمعیت کشور، لزوم ایجاد اشتغال، میزان نسبتاً پایین دستمزد که منجر به قیمت تمام شده رقابتی در کالاهای صادراتی می‌شود و اهمیت تفوق صنعتی بر رقبای سرمایه‌گذاری در توسعه صنایع کاربر و خدمات را به‌عنوان یک اولویت نمودار می‌سازد. در این راستا، تعامل با بنگاه‌های بین‌المللی منجر به انتقال دانش فنی شده و در آتی به تقویت صنایع سنگین و سرمایه‌بر، مانند تجربه چین، خواهد انجامید.

دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان فصل مشترک میان سیاست و اقتصاد، ابزاری برای توسعه تجارت خارجی محسوب می‌شود. در این راستا کارگروهی متشکل از نمایندگان تام‌الاختیار وزارت صنعت، معدن و تجارت، امور اقتصادی و دارایی، نفت، نیرو، جهاد کشاورزی، راه و شهرسازی، امور خارجه، سازمان برنامه و بودجه کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با مسئولیت وزارت صنعت، معدن و تجارت (سازمان توسعه تجارت ایران)، مکلف به ارائه راه‌کارهای لازم در خصوص تسهیل و رفع محدودیت‌های مراودات مالی، ایجاد و توسعه روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای هدف از طریق توسعه صادرات، تهاتر (کالا و خدمات)، بهبود سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود زیرساخت‌های مالی و بانکی، حل مشکلات و توسعه زیرساخت‌های حمل و

نقل، تنوع بخشی به منابع تأمین واردات در راستای تاب‌آوری اقتصاد به خصوص تأمین واردات کالاهای اساسی و موارد مشابه است. به نظر می‌رسد، در عمل، هماهنگی و هم‌کنشی بیشتری به منظور حصول نتایج مورد نظر و اجرای راه‌کارهای پیشنهادی این کارگروه، نیاز است. همچنین با توجه به اینکه بخش خصوصی یکی از عوامل حیاتی در به ثمر رسیدن انواع توافقات تجاری است، پیشنهاد می‌شود نماینده بخش خصوصی نیز در جلسات کارگروه مشارکت داشته باشد. همسوسازی سیاست‌های تجاری و ارزی، به صورت ویژه، در شرایطی که حمایت از منابع ارزی کشور به منظور تأمین واردات حیاتی می‌نماید، نیاز به هوشمندی و همسویی سیاست‌گذاران حوزه‌های ارزی و تجاری دارد. زمانی که این دو به اجماع برسند می‌توان انتظار پیشرفت در تجارت خارجی و ارتقا در زنجیره ارزش جهانی را داشت. به عنوان مثال باید به سخت‌گیری‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و ناهماهنگی با وزارت صمت در مورد تعیین منشأ ارز در خصوص صادرات مجدد، یا استفاده از رمز ارز برای تأمین ارز مورد نیاز واردات و برگشت ارز حاصل از صادرات اشاره کرد.

مدیریت منابع در چارچوب زنجیره ارزش جهانی آنجا اهمیت پیدا می‌کند که کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته با بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی خود، غالباً منابع طبیعی، وارد زنجیره ارزش جهانی شده و به تدریج جایگاه خود را بهبود می‌بخشند و کشورهای توسعه یافته نیز از منابع و مزیت‌های نسبی سایر کشورها برای تولید کالا با قیمت و کیفیت بهتر و رقابتی‌تر استفاده‌کنند. در این راستا، توجه به جلوگیری از خام‌فروشی به ویژه در بخش معادن و پتروشیمی قابل توجه خواهد بود. چنانکه به عنوان نمونه حسب آمار تجارت خارجی از سازمان توسعه تجارت ایران، صادرات مواد اولیه پلیمری در ۹ ماهه سال ۱۴۰۱ به ارزش ۲,۸۲۱,۹۱۲ هزار دلار صورت گرفته و در مقابل مجموع ارزش صادرات ۷ گروه محصولات پلیمری، محصولات پلاستیکی، سایر محصولات پلاستیکی، رزین، رنگ، تایر و سایر محصولات پلیمری طی بازه زمانی یاد شده، ۲,۰۸۸,۵۷۰ هزار دلار بوده است. بررسی این آمار نشان از سنگینی کفه خام‌فروشی در محصولی را دارد که به عنوان یکی از مزیت‌های نسبی کشور قلمداد می‌شود.

از جدی‌ترین عوامل اثرگذار در ارتقا یافتن جایگاه کشور در زنجیره ارزش جهانی، تغییر ساختار تولید به سمت فناوری و پیچیدگی محصول است. این خصیصه در تولید، با ایجاد

انحصار تکنولوژیکی، که مدت زمان حفظ آن بسته به روزآمد کردن سیستم تولید با توجه به چرخه عمر فناوری در دنیا و تربیت نیروی دانشی متخصص است، وابستگی دیگر کشورها در طول زنجیره ارزش جهانی را برای کشور به دنبال دارد و به تبع آن ایجاد ثروت و اشتغال را به همراه خواهد داشت. لذا، پیشنهاد می‌شود نسبت به حمایت دولت از شرکت‌های فناوری در قالب معافیت‌های جذاب مالیاتی و هزینه‌کرد خرید اختراعات از این شرکتها اقدام گردد.

با توجه به آشنایی وزارت صمت از سال ۸۶ با مقوله زنجیره ارزش جهانی، اقدام جدی و متمرثی در این خصوص صورت نگرفته است. لذا، پیشنهاد می‌شود معرفی الزامات و ابعاد مشارکت و ارتقا در زنجیره ارزش به صاحبان صنایع و برگزاری نشست‌های کارشناسی دولت و بخش خصوصی در قالب کارگروه زنجیره ارزش جهانی به منظور رسیدن به اجماع و تدوین الگوی مناسب در اولویت قرار گیرد. هرچند سازمان توسعه تجارت ایران با اعزام رایزنان بازرگانی با تجربه و برنامه‌ریزی در سطح منطقه و فرامنطقه اقدامات خوبی در زمینه مذاکرات تجاری و انعقاد انواع قراردادهای و تفاهم نامه‌ها با طرف‌های تجاری صورت داده است اما ادامه و توسعه این اقدامات در گرو همراستایی و همداستانی دستگاه‌هایی همچون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گمرک جمهوری اسلامی ایران و... در قامت نظارتی و تسهیل‌گری و حضور پر رنگ بخش خصوصی به‌عنوان مجری توانمند این عملیات خواهد بود

پیشنهاد برای تحقیقات آتی

نظر به گستردگی بحث مشارکت و ارتقا در زنجیره‌های ارزش جهانی و لزوم بررسی روندهای آتی زنجیره‌ها در چارچوب‌های جهانی و منطقه‌ای، موارد زیر جهت تحقیقات آتی پیشنهاد می‌گردد:

- جایگاه خدمات در زنجیره‌های ارزش جهانی و منطقه‌ای
- نقش فناوری و پیچیدگی تولید در ارتقا در زنجیره‌های ارزش جهانی و منطقه‌ای
- بررسی نحوه شکل‌گیری و پایدارسازی زنجیره‌های داخلی در صنایع دارای مزیت نسبی
- آسیب‌شناسی ورود و ارتقا در زنجیره ارزش جهانی برای صنایع دارای مزیت با توجه به شرایط کشور

منابع

- بزرگی، وحید. (۱۳۹۴). زنجیره‌های جهانی ارزش: شکل غالب سازمان‌های تولید و تجارت جهانی. تحولات جهانی صنعت، معدن و تجارت. شماره ۱۹. صص ۴-۱
- جلیلی، مجید (۱۳۹۷). نحوه مداخلات دولت در تکمیل و توسعه زنجیره ارزش. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۳۹۵. شماره خبر ۳۴۲۴۲۱۹
- کمالی اردکانی، مسعود. (۱۳۹۸). پیش شرط‌های ارتقای جایگاه ایران در زنجیره ارزش جهانی. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. <http://itsr.ir/article/40383>
- کرسول، جان (۱۳۹۸). بویس کیفی و طرح پژوهش، انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی). ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسن کاظمی، تهران: انتشارات صفار اشراقی.
- نجم‌زاده، رضا؛ درگاهی، حسن؛ عاقلی، لطفعلی؛ بیابانی خامنه، کاظم. (۱۳۹۹) اندازه‌گیری شاخص‌های وضعیت اقتصادی ایران در زنجیره‌های جهانی ارزش و مقایسه با کشورهای منتخب. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. سال ۲۸. شماره ۹۴. صص ۲۵-۲.
- آقا محمدی، سیده نرگس. حاجی، غلامعلی. غفاری، هادی، غفاری آشتیانی، پیمان. (۱۴۰۰). تأثیر مزیت نسبی فعالیت‌های اقتصادی بر تولید ناخالص داخلی استان‌ها، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی سال پانزدهم شماره ۲ پیاپی ۵۴ تابستان ۱۴۰۰ صص ۸۷-۱۰۴.
- برمکی، افشین. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری. گزارش دفتر امور برنامه‌ریزی اقتصاد کلان و ارزیابی برنامه.
- Abramova, Anna & Garanina, Olga. (2018). "Russian MNEs Under Sanctions: Challenges for Upgrading in GVCs (Cases of Energy and IT Industries)" *Journal of East-West Business*, DOI: 10.1080/10669868.2018.1467843
- Agha Mohammadi, Seyyed Narges. Haji, Gholam Ali. Ghaffari, Hadi, Ghaffari Ashtiani, Peyman. (2021). The effect of the comparative advantage of economic activities on the gross domestic product of the provinces, *Economic Modeling Quarterly*, 15th year, number 2, number 54, summer 1400, pp. 87-104. [In Persian]
- Ahmed, Faisal and Kumar. Pravin. (2018). "Toward a national participation index for developing countries in the global value chains: a graph theoretic modelling approach", *Journal of Modelling in Management*.
- Alford, M., & Phillips, N. (2018). "The political economy of state governance in global production networks: Change, crisis and contestation in the South African fruit sector". *Review of International Political Economy*, 25: 98-121.
- Azmeh, S. (2015). "Transient global value chains and preferential trade agreements: Rules of origin in US trade agreements with Jordan and Egypt". *Cambridge Journal of Regions, Economy and Society*, 8: 475-490.

- Bamber, Penny, Karina Fernandez-Stark, Gary Gereffi, and Andrew Guinn. (2013). "Connecting Local Producers in Developing Countries to Regional and Global Value Chains". Paris: Organisation for Economic Co-operation and Development
- Baldwin, R. (2011). "Trade and industrialization after globalization's 2nd unbundling: How building and joining a supply chain are different and why it matters." Working Paper 17716. Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research
- Baldwin, Richard and Lopez-Gonzalez, Javier (2014). "Supply-chain Trade: A Portrait of Global Patterns and Several Testable Hypotheses" *The World Economy*. doi: 10.1111/twec.1218
- Baldwin, Richard (2016). "The great convergence". Harvard University Press.
- Baldwin, Richard, (2012), "Global Supply Chains: Why They Emerged, Why They Matter, and Where They Are Going".
www.Researchgate.net
- Banga, Karishma. (2018). "Upgrading in Global Value Chains; A Firm-Level Empirical Analysis of Indian Manufacturing" A thesis submitted to the University of Manchester for the degree of Doctor of Philosophy in the Faculty of Humanities
- Barmaki, Afshin. (2013). Pathology of development programs after the revolution. Vice President of Strategic Planning and Supervision. Report of the Bureau of Macroeconomic Planning and Program Evaluation. [In Persian]
- Bazavan, A. (2019). "Chinese government's shifting role in the national innovation system". *Technological Forecasting and Social Change*, 148: 119738.
- Bialowas, Tomasz and Budzinska, Anna (2022). "The Importance of Global Value Chains in Developing Countries' Agricultural Trade Development" *Sustainability* 2022, 14(3), 1389; <https://doi.org/10.3390/su14031389>
- Cheng, Jian, and Kui-qian Wang. (2017). "New Tendency of Global Value Chain and Countermeasures of China." *Modern Management Science*, 7:112-114.
- Bozorgi, Vahid (2014). Global value chains: the dominant form of global trade and production organizations. *Global developments in industry, mining and trade*. No. 19. pp. 1-4
- Christ, Nannette, and Michael J. Ferrantino. (2011). "Land Transport for Exports: The Effects of Cost, Time, and Uncertainty in Sub-Saharan Africa." *World Development*, 39(10), 1749-59.
- Creswell, John (2018). *Qualitative research and research design, choosing among five approaches (narrative-research, phenomenology, data-based theory, ethnography, case study)*. Translated by Hassan Danai Fard and Hassan Kazemi, Tehran: Safar Eshraghi Publishing House. [In Persian]
- De Marchi, Valentina & Giuliani, Elisa & Robellotti, Roberta. (2017). "Do Global Value Chains Offer Developing Countries Learning and Innovation Opportunities?" *The European Journal of Development Research* (2017) 30, 389-407. <https://doi.org/10.1057/s41287-017-0126-z>; published online

- De Marchi, Valentina and Alford, Matthew.(2021).”State policies and upgrading in global value chains: A systematic literature review” *Journal of International Business Policy*.
<https://doi.org/10.1057/s42214-021-00107-8>.
- Dutta, Sourish, (2020).” Learning and Upgrading in Global Value Chains: An Analysis of India’s Manufacturing Sector” PhD Student, 2016-20 .Centre for Development Studies Trivandrum, Kerala
- ECLAC report, (2017) “Regional integration: towards an inclusive value chain strategy”.
- Epide, Mesumbe Bianca, Wang, Daoping, (2022),. “Global value chain linkages: An integrative review of the opportunities and challenges for SMEs in developing countries”, *International Business Review*, Volume 31, Issue 5, October 2022, 101993
- Fagerberg, J., Srholec, M. and Verspagen, B. (2010).” Innovation and economic development”. In Bronwyn H. Hall and Rosenberg N. (eds) *Handbook of the Economics of Innovation*, 2: 833-872.
- Fortes Jordao de Oliveira Cerqueira, Paulo & Flavio Stettiner, Caio & T. Okano, Marcelo. (2019). “Governance and Upgrading in GVC: Why Does Embeddedness Matter?”, *Reviste Brasileira de Gestao de Negociosr Review of Business Management*.
- Gereffi, Gary and Fernandez-Stark, Karina (2016). “Global Value Chain Analysis: A Primer,2nd Edition” Technical Report at:<https://www.researchgate.net/publication/305719326>
- Gereffi, Gary & Chin-Lim, Hyun and Lee, Joonkoo. (2021). “Trade policies, firm strategies, and adaptive reconfigurations of global value chains”. *Journal of International Business Policy* (2021) 4, 506-522.
- Gereffi, Gary and Fernandez-Stark, Karina (2016). “Global Value Chain Analysis: A Primer,2nd Edition” Technical Report at:<https://www.researchgate.net/publication/305719326>.
- Gereffi, Gary. (2013).” Global Value Chains in a Post-Washington Consensus World” Article in *Review of International Political Economy*. DOI: 10.1080/09692290.2012.756414
- Homer, Rory and Alford, Matthew (2019). “The roles of the state in global value chains: an update and emerging agenda” Working peper series, Global Development Institute, The University of Manchester.
- Horner, R., & Nadvi, K. (2018). “Global value chains and the rise of the Global South: Unpacking twenty-first century polycentric trade”. *Global Networks*, 18(2): 207-237.
- Humphrey, John and Schmitz, Hubert (2002). “How does Insertion in Global Value Chains Affect Upgrading in Industrial Clusters?”. *Regional studies*, No 36. 9. Pp 1017-1027.
- Jalili, Majid (2017). How the government intervenes in the completion and development of the value chain. *World economy newspaper*, number 4395. News number 3424219
- Kamali Ardakani, Massoud. (2018). Preconditions for improving Iran’s position in the global value chain. *Business Studies and Research Institute*. <http://itsr.ir/article/40383>[In Keane, J. (2017). “Effectively Governing Global Value Chains: The

- Institutional Interface". *Future Fragmentation Processes*, 47.
- Linbo, Jing & Pinghong, Yuan.(2021). "GVC Evolutions: New Trends and China's Policy Response". *China Economist* Vol.16, No.2, March-April 2021. DOI: 10.19602/j.chinaeconomist.2021.03.02
- Najarzadeh, Reza; Dargahi, Hassan; Aqli, Lotfa Ali; Biabani Khamene, Kazem. (2019) Measuring the indicators of Iran's economic status in global value chains and comparing with selected countries. *Economic Research and Policy Quarterly*. Year 28. Number 94. pp. 2-25. [In Persian]
- Organisation for Economic Co-operation and Development and World Trade Organization (OECD-WTO). (2013). "Aid for Trade at a Glance 2013: Linking to Value Chains." OECD, Paris.
- Pahl, S., & Timmer, M. P.)2020(. "Do global value chains enhance economic upgrading? A long view". *The Journal of Development Studies*, 56(9): 1683-1705.
- Pasquali, Giovanni & Godfrey, Shane & Nadvi, Khalil, (2020), "Understanding regional value chains through the interaction of public and private governance: Insights from Southern Africa's apparel sector" *Journal of International Business Policy* (2021) 4, 368-389
- Pietrobelli, C. & Staritz, C. (2017) "Upgrading, Interactive Learning, and Innovation Systems in Value Chain Interventions". *Eur J Dev Res*; <https://doi.org/10.1057/s41287-017-0112-5>
- Pietrobelli, Carlo, Rabellotti, Roberta, Assche, Ari Van, (2021), "Making sense of global value chain-oriented policies: The trifecta of tasks, linkages, and firms". *Journal of International Business Policy* volume 4, pages 327-346 (2021) Cite this article.
- Pipkin, S. & Fuentes, A. (2017). "Spurred to upgrade: A review of triggers and consequences of industrial upgrading in the global value chain literature." *World Development*, 98:536-554.
- Scholvin, Sören, Turok, Ivan, Visagie, Justin & Revilla Diez, Javier (2022), "Regional value chains as new pathways to development?", *Area Development and Policy*, 7:2, 177-186, DOI: 10.1080/23792949.2021.1978299
- Shepherd, B. (2013). "Global Value Chains and Developing Country Employment: A Literature Review", *OECD Trade Policy Papers* No. 156, OECD Publishing.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2014). "Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory". California: Thousand Oaks, CA: Sage Publications
- World Bank. (2019). "World development report 2020: Trading for development in the age of global value chains". The World Bank.
- Yuan, Pinghong. (2016). "Changes of Global Value Chain and the Countermeasures of China." *Journal of Guizhou Provincial Party School*, 5:35-41.
- Zhan, James X, (2021). "GVC transformation and a new investment landscape in the 2020s: Driving forces, directions, and a forward-looking research and policy agenda". *Journal of International Business Policy* (2021) 4, 206-22.